

پیش درآمدی بر اجتهاد و تقلید

آئین حیاتبخش اسلام، راه و رسم ویژه ای را برای تنظیم و اداره حیات بشر، پیش روی او نهاده است. هدایت در مسیر تعالی و کمال، مانند هر پدیده دیگری نیاز به برنامه ای از پیش تعیین شده دارد که تمام جوانب امور و موانع راه در آن پیش بینی شده باشد. خالق متعال که انسان را در همه مراحل سیر او تا بی نهایت، مورد لطف و عنایت قرار داده است. برای نیل او به عالیترین مراتب کمال و سعادت، طرحی عظیم در انداخته و آن را از لسان قرآن و سنت ائمه معصومین علیهم السلام ابلاغ و اعلام کرده است. بی شک این برنامه و خط مشی ویژه جز از طریق وحی و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان معصومش علیهم السلام، کسی را وصال نمی دهد، بلکه تنها در مکتب قرآن و اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می توان به حریم آن راه یافت. کشف و استنباط این برنامه آسمانی، باید بر عهده کسانی گذارده شود که در علوم قرآنی کارشناسان ماهر، و صادقند و درایت آنها در حدیث و سنت، معلوم همگان باشد. از این روست که ضرورت وجود خبرگان دلسوز و نستوه رخ می نماید، خبرگان و مجاهدانی که با تلاش بی وقفه و با رجوع به منابع و مدارک اصیل اسلامی، در استنباط احکام دینی و وظایف اسلامی فرد و اجتماع، سعی بلیغ دارند و با همه نیرو و وسع خود در این عرصه داخل می شوند. از میان عالمان و دانشمندان اسلامی مراجع گرانقدر تقلید، عهده دار این وظیفه خطیر و رسالت بزرگند.

- ادوار تاریخی اجتهاد

خداوند بزرگ، احکام و تکالیفی را برای فرزند آدم، مقرر فرموده است. این احکام، از طریق وحی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرود آمد و حضرتش همه آن را بی کم و کاست به مردم عصر خود ابلاغ فرمودند. از همین رو، زمان حیات رسول گرامی را عصر تشریح می نامند، یعنی عصری که قوانین و احکام الهی به کسوت شریعت درآمدند و مردم را مخاطب خود ساختند.

به تدریج ، گذر زمان موجب گستردگی و پیچیدگی روزافزون مسایل جامعه اسلامی شد و در بستر یک جریان طبیعی در تاریخ، مسلمین بر ضرورت دستیابی به کم و کیف احکام و راه های استنباط آنها در عصر غیبت ،اتفاق نظر پیدا کردند. در زمان حیات رسول گرامی ﷺ و بعد از آن در عصر امامان بزرگوار شیعه علیهم السلام چنین ضرورتی احساس نمی شد. زیرا در عصر رسالت ، احکام و قوانین الهی به دست مبارک رسول الله ﷺ تشریح و تبلیغ می گردید و از آن پس نیز که دوره امامت خاصه حضرات معصومین علیهم السلام فرا رسید . ایشان مفاهیم کلی دین را در قالبهای مدون و الگو وار برای مردم عصر خود بیان فرمودند . رسالت ائمه عظیم الشان شیعه ، ترسیم خطوط کلی و نشان دادن اسلام ناب محمدی ﷺ بود.تابشیرت با الهام گیری از این مفاهیم کلی و خطوط برجسته ، راه خود را در دوره های بعد پی گیرد و بر جامعیت دین مبین که برای همه زمانها و مکانهاست ، صحه گذارند.

در عصر غیبت آخرین حجت خدا (عج) ضرورت تداوم حرکت انبیاء و اوصیاء (صلوات الله علیهم اجمعین)، ایجاب می کند که با توجه به جامعیت دین اسلام و عمومیت آن، آگاهترین و صالحترین افراد امت اسلامی ، یعنی مراجع بزرگوار شیعه ، عالم انسانیت را به سوی سعادت رهنمون گردند. در این راه پر مخاطره ، دستمایه و رأس المال ایشان ، همانا قرآن و احادیث معتبر است و البته که چنین راهی را چنان سرمایه ای باید ، والا هیچکس راه به جایی نخواهد برد.

ضرورت و شرایط مرجعیت

گستردگی و عمومیت قوانین اسلام در زمینه های مختلف حیات ، ضامن هدایت و سعادت فردی و اجتماعی انسان و تکامل او به سوی کمال مطلق است . این گستردگی و شمول ، اقتضا می کند که همگام با تحولات زمانی و مکانی ، مقام جامع الشرایطی ، پاسخگوی مسائل و پرسشهای دینی مردم در هر عصری باشد . مراجع بزرگوار شیعه در طول تاریخ فقاقت و اجتهاد ، آنچنان در دقایق علمی و استنباط مسائل عقلی و آراء پیشینیان ، تأمل و امعان نظر داشته اند که بیش از هر مقام و منبع دیگری

شایسته پاسخگویی به نیازهای عصر و نسل خود می باشند و در واقع در هیچ عصری ، مردم جز از این طریق ، پاسخ مشکلات علمی و عملی خود را دریافت نکردند. هنگامی که عشق و ایمان ، به مدد عقل و درایت درآیند و افزون بر همه اینها ، قوه استنباط و اجتهاد نیز همراه گردد ، مقام مرجعیت شکل می پذیرد و قادر به حل و فصل مسائل مسلمانها می گردد.

از طرفی فقیهان امت که به شهادت روایت مشهور « وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ، صَانِتاً لِنَفْسِهِ ، حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالَفاً لِهَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ . » صالحترین مقام برای اداره و ارشاد جامعه اسلامی هستند ، در سخت ترین امتحانات و در کوران حوادث به خوبی از عهده مسئولیت رهبری اجتماع مسلمین برآمده اند . اینان ، بزرگ مردانی هستند که رویه آنها همان "زی طلبگی" بوده و در عالیتترین مراتب دنیوی و معنوی ، مهار نفس را از کف نداده اند.

بی جهت نیست که مردم از دیر باز به این طایفه از دانشمندان ، نهایت حسن ظن را داشته و از بذل مال و جان برای اجرای فرامین ایشان دریغ نکرده اند . علم و معرفت ، انس و آشنایی با قرآن و سنت ، صداقت و درستی ، عدالت و شجاعت و بی اعتنایی به زخارف دنیا که برای قاطبه مراجع بزرگوار ، چونان ملکه ای استوار درآمده است ، علت عمده توجه و رویکرد مردم به ایشان است . و پیش از هر چیز اقبال توده ها به مجتهدان با اخلاص را باید در همین خصیصه ها جستجو کرد.

-مواجهه منطقی دین با مسائل جدید-

دیندارانه زیستن و در عین حال از علم و صنعت روز ، بهره جستن ، موجب بروز معضلات فکری و مشکلاتی علمی بی سابقه ای در میان دینداران شده است ، براستی دین ، چگونه راه خود را در میان انبوه معضلات عصر جدید می پیماید؟ و آیا جز در سایه هماهنگی دین و عقل، پاسخی مناسب برای نیازهای انسان عصر جدید قابل دریافت است؟ این دسته از پرسشها پاسخی روشن دارند و نیازی به شرح و بسط آنها نیست. اما در رابطه با فقه و احکام فرعی، گفتنی است که در روند تعیین مناسبات و تنظیم روابط فردی و گروهی، آنچه که به این علم مربوط می شود، عبارت است از " استمرار اجتهاد و پاسخگویی های لحظه به لحظه". بدین معنا که عالمان و فقیهان امت، با بهره گیری از

مفاهیم عام و جهان شمول شریعت، درباره مسائل نوینی از قبیل روابط و مناسبات بین المللی، حقوق بشر، جنگهای سرد و گرم، دفاع از کیان اسلام و منافع مسلمین، اقتصاد اسلامی، نسبیّت و یا ثبات اخلاق و ارزشها، کنترل جمعیت، بیمه، مالیات، تعاونیها و صدها مسأله دیگر به کنکاش و استنباط خواهند پرداخت و درباره هر یک از این مسائل، رأی خواهند داد. پرواضح است که چنین طریق ناهمواری را کسانی قادرند پیمایند که علاوه بر برخورداری از علم و معرفت کافی در زمینه علوم اسلامی، مایه های فراوانی در زمینه های تهذیب و تزکیه روح و تجربه های علمی، به چنگ آورده باشند.

- لزوم رجوع به متخصص

بر کسی پوشیده نیست که وسعت علوم و شعبات متعدّد علمی تا به حدّی است که حتّی شمارش آنها، کاری صعب و دشوار است. از همین رو تخصص به معنی واقعی آن جز در یک الی دو رشته امکان وقوعی ندارد، بلکه تخصص در زمان ما جز با پژوهشهای چندین ساله و همتهای بلند، صورت تحقّق به خود نمی گیرد. تا آنجا که تصوّر مهارت کافی برای یک شخص در چندین رشته و فن خارج از تصوّر و امکان است.

رشته های فنی و تجربی به جهت کاربردهای مؤثر و سازنده آنها در زندگی روزمره، نزد عموم از شأن و منزلتی ویژه و در برخی موارد، دور از انتظار برخوردارند. عنوان تخصص در این رشته های و مراجعه افراد به کارشناسان علوم فوق الذکر، امری کاملاً مقبول و پذیرفتنی است. اما چرا هنگامی که نوبت به علوم دینی و استنباطی می رسد، این امر بدیهی و کاملاً عقلایی از طرف برخی، مورد خدشه و چون و چرا قرار می گیرد؟ به حتم تمام ادله و براهینی که رجوع غیر متخصص در هر علمی را به متبحرین آن فن به اثبات و ظهور می رساند. از مراجعه مردم به مراجع دینی، برای فهم و دریافت احکام اسلام، پشتیبانی می کند. بویژه در دنیای کنونی که معبر حوادث گوناگون و جایگاه؛ تحولات سریع صنعتی و تغییرات اساسی در چهره جوامع انسانی است، هیچ تردیدی در لزوم مراجعه به صاحبان تخصص در علوم دین، باقی نمی ماند. جز این نیست که تحولات اخیر در مقیاسهای جهانی، نه فقط از اهمیّت و ضرورت مقام مرجعیّت در جامعه انسانی نکاسته است، بلکه این تغییر و تحولات بنیادی بیش از پیش، ضرورت وجود یک مقام مسؤول، در پاسخگویی به نیازهای دینی مردم را مشخص می کند.

میزان تأثیر پذیری اجتهاد از زمان و مکان

بعد از وفات رسول اکرم ﷺ مفاهیم مشکوکی مانند تطوّر و تغییر شرایط زمان و مکان، در میان مسلمین رونق گرفت. مشکوک بودن این عناوین از آن جهت بود که بهانه ای برای تغییرات اساسی در محکّمات دینی شده بود. یعنی هویت و حقیقت اسلام و احکام آن در برابر متغیّرات اجتماعی خاضع شده و آنچه که اصیل و پابرجا می نمود. همانا چهره و سمت و سوی اجتماع بود. لحاظ زمان و مکان در مجرای استنباط، امری بایسته و مورد سفارش اولیاء دینی و در این اواخر حضرت امام بود. اما در این مسیر نیز افراط و تفریط، مذموم و نابایسته است. به هر حال این دید غلط در حال حاضر نیز، گاه از برخی زبانها و قلم ها، ترسیم می شود و چون آفتی در فهم دین و مبانی شریعت شده است.

نباید فراموش کرد که آنچه معیار و ملاک است، وحی و احکام آسمانی است، نه تبدیل احکام بر وفق اوضاع و متغیّرات ناپایدار، چه بسا؛ کیان اسلام و سعادت جامعه اسلامی، بارها در اثر افراط و تفریطهای آنچنانی به مخاطره افتاده است. گاه به موجب افراط در لحاظ شرایط زمانی و مکانی و گاه در اثر بی توجهی ناشیانه به زمان و مکان، ضربات بسیاری بر پیکره نظام اسلامی وارد شده است. همپایی و هماهنگی با آنچه که تغییرات زمان و مکان نامیده می شود. چندان سهل و آسان نیست. در واقعیت زمان، هر ترقّی و تعالی وجود دارد و هم انحطاط و انحراف، باید با پیشرفت زمان پیش رفت و با انحراف آن مبارزه کرد. اما تمیز و تشخیص انحراف از تعالی، بدون نظر کردن به سرچشمه ها و منابع، عقیم خواهد ماند.

اسلام با اختصاص هدفها در قلمرو دین و واگذاشتن ابزار و صورت کار در حوزه علم و فن، از هر گونه تصادم و تعارض با توسعه فرهنگ و تمدن پرهیز کرده است. و این را باید از معجزات دین مبین دانست که برابر احتیاجات ثابت بشری، قوانین ثابت و به موازات نیازهای متغیّر او مقررات متغیّری را پیش بینی کرده است. اسلام بوضوح وجود مصالح عالیّه را در پشت احکام خود، تصریح دارد و از طرف دیگر در مطاوی بزرگان شریعت، درجه اهمّیت مصلحتها بیان شده است و این مسأله کار محقّقان را در زمینه تعارض مصالح اسان کرده است. زیرا، اسلام اجازه داده است که در چنین

مواردی کارشناسان متبحر، با لحاظ درجه اهمیتها و سنجش اولویتهای، به دام «ترجیح بلا مرجح» در نغلطند و اهم را به پای مهم، ذبح شرعی نکنند.

احکام در منظر اخلاق

گفتنی است که روح و آهنگ «آیات الاحکام» در قرآن مجید، جنبه اخلاقی دارد. غالب آیات مربوط به احکام به یک تعلیل و یا تحلیل اخلاقی ختم می شود. و این سنت به خوبی حکایت از آن می کند که قرآن مجید، اساسی ترین رکن و منبع فقه، رسالت اصلی خود را، بیان و تحکیم اصول اخلاقی می داند. هنگامی که تکالیف فرعی و شرعی، چنین بیانی را در قرآن به خود اختصاص می دهد تفسیری جز اینکه اخلاق و تکامل روحی، مطمح نظر وحی می باشد، ندارد.

احکام، تنها نه از آن جهت که آهنگ زندگی مسلمین را منضبط گرداند. تشریح شده است بلکه اداره و هدایت قلبی بشر به سمت متعالی ترین سجایای اخلاقی نیز در نظر است. گرچه نفس وضع و قرار دادن تکالیف شرعی، حاکی از توجه خالق سبحان به نوع انسان است، اما گذشته از آن، طریقه وضع و تشریح آنها نیز از توجه و اعتنای صاحب آفرینش به تربیت فرزندان آدم، سخن می گوید. قرآن کریم از آن جهت عمل و تعهد به قانون را خواستار است که این اعمال زمینه پرورش روحيات اخلاقی انسانهاست و شاید اگر جز این بود، این مایه عنایت و توصیه عمل به احکام فقهی، بی وجه می نمود.

منزلت احکام در مسابقات سراسری قرآن و عترت الطاهر

بی هیچ تردیدی، تقید به احکام و دستورات بر گرفته از قرآن و سنت معصومین علیهم السلام، یگانه طریق نجات مسلمین و شکل گیری حیات اسلامی و قرآنی ایشان است. پی گیری و تطبیق ائمه اطهار علیهم السلام با وضعیتهای متغیر جوامع که منجر به تدوین رساله های عملیه گردید، نشانگر مساعی عالمانه و دلسوزانه دانشمندان گرانقدر تشیع و حساسیت مبارک این طبقه از عالمان دینی به سرنوشت مسلمین است. انس و تعهد به دستورات فقهی در میان اقشار تحصیل کرده و جوانان میهن اسلامی که نسل بالنده هر کشوری محسوب می شوند، میمون و مبارک است. هر قدر که توجه قلب و روح نسل جوان به

اصول و فروع دین افزون گردد، بیشتر موجبات تعالی و تکامل جامعه، فراهم می گردد و چنانچه به هر دلیلی این شوق و گرایش، فروکش کند. زمینه برای نفوذ فرهنگ بیگانه و شیخونهای فرهنگی مساعد می گردد. مسلماً از آفت کم توجهی به احکام شرعی در میان جوانان عموماً و دانشجویان خصوصاً، تعبیری جز فاجعه و توفیق مغزهای شیطانی، نمی توان آورد. به نظر می رسد که نهادهای فرهنگی و قاطبه فعالیتهای تربیتی و تشویقی، باید سوق دادن جوانان را به سوی احکام اسلام، در دستور کار خود قرار دهند و از هر گونه صرف هزینه و سرمایه گذاری در این عرصه دریغ نورزند. زیرا جوانان، زنده ترین و سازنده ترین اجزاء اجتماع محسوب می شوند و هر گونه تغییر در روحيات و منش آنان در سطح وسیع جامعه انعکاس دارد.

به همین منظور، در پوشش طرحی نو، تحت عنوان «احکام» شاخه ای به شاخه های مسابقات افزوده شد، تا در کنار تربیت جوانان عزیز و تشویق آنها به سوی قرائت، تجوید، تحقیق، همخوانی و ... این جنبه حیاتی نیز مورد غفلت قرار نگیرد. این مجموعه از رساله عملیه بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام (ره) (چاپ دوم - وزارت ارشاد اسلامی) انتخاب شده است و توصیه می شود که داوطلبان عزیز برای آگاهی از سایر مسائل، رساله عملیه را با دقت مطالعه کنند.

یاری خداوند منان را در جهت گسترش فرهنگ وحی و اجرای فرامین اولیاء دین، مسئلت می کنیم و امیدواریم که این دوره از مسابقات نیز خدمتی بسزا به تحکیم ایمان و عقیده جوانان به قرآن و عترت علیهم السلام داشته باشد.

والسلام

هیات علمی ستاد مرکزی برگزاری مسابقات قرآن و عترت

احکام تقلید

مسئله ۱: مسلمان باید به اصول دین یقین داشته باشد، و در احکام غیر ضروری دین باید با مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است، مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند. عده دیگر می گویند حرام نیست آن عمل را انجام ندهد، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند آن را بجا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند به احتیاط عمل کنند واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

مسئله ۲: تقلید در احکام عمل نمودن به دستورات مجتهد است، و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده و عادل باشد.

مسئله ۳: مجتهد اعلم را از سه راه می توان شناخت: اول آنکه خود انسان یقین کند. مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. دوم آنکه دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند، سوم آنکه عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند. و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسئله ۷: اگر مجتهد و اعلم در مسأله ای فتوا دهد مقلد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می کند نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتوا ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود. مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجبش می گویند عمل کند و سه مرتبه بگوید، یا به فتوای مجتهد دیگری عمل کند تا بر احتیاط واجب به فتوای مجتهدی که اعلم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید. پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند

می تواند یک مرتبه بگوید و همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محلّ تأمل یا محلّ اشکال است.

مسأله ۸: اگر مجتهد اعلم بعد از آنکه در مسأله فتوی داده احتیاط کند - مثلاً بفرماید ظرف نجس را یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود ، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند - مقلّد او نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند، بلکه باید یا به فتوی عمل کند ، یا به احتیاط بعد از فتوی که آن را احتیاط مستحب می گویند عمل نماید مگر آنکه فتوای آن مجتهد نزدیک تر به احتیاط باشد .

مسأله ۱۱: مسائلی که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد .

مسأله ۱۴: اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد در صورتی اعمال او صحیح است که بفهمد به وظیفه واقعی خود رفتار کرده است ، یا عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده ، یا با فتوای مجتهد که فعلاً باید از او تقلید کند مطابق باشد ، مگر عمل را طوری انجام داده باشد که از گفته آنان به احتیاط نزدیک تر باشد که در این صورت هم صحیح است .

احکام طهارت

آب مطلق و مضاف

مسأله ۱۵: آب یا مطلق است یا مضاف : آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند. مثل آب هندوانه و گلاب ، یا با چیزی مخلوط باشد ، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن اب نگویند ، و غیر اینها آب مطلق است ، و آن بر پنج قسم است : اول آب کر . دوم آب قلیل . سوم آب جاری . چهارم آب باران . پنجم آب چاه .

۱- آب گُر

مسئله ۱۶: آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که دراز و پهن و گودی آن در سه وجب و نیم است بریزند آن ظرف را پر کنند.

مسئله ۱۷: اگر عین نجس مانند بول و خون به آب کر برسد چنانچه به واسطه آن بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند آب نجس می شود، و اگر تغییر نکند نجس نمی شود.

مسئله ۱۸: اگر بوی آب کر به واسطه غیرنجاست تغییر کند، نجس نمی شود.

مسئله ۱۹: اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده، کمتر از کر باشد تمام آب نجس می شود. و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد فقط مقداری که بو یا رنگ یا مزه آن تغییر کرده نجس می شود.

مسئله ۲۱: اگر چیزی نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند آبی که از آن چیز می ریزد اگر متصل به کر باشد و به واسطه نجاست بو یا رنگ یا مزه آن تغییر نکرده باشد پاک است.

مسئله ۲۲: اگر مقداری از آب یخ ببندد و باقی آن به قدر کر نباشد چنانچه نجاست به اب آن برسد نجس می شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.

۲- آب قلیل

مسئله ۲۵: آب قلیل آبی است که از زمین نجو شد و کمتر از کر باشد.

مسئله ۲۷: آب قلیلی که برای بر طرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است و باید از آب قلیلی هم که بعد از بر طرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می ریزند و از آن جدا می شود اجتناب کنند. ولی آب که با آن مخرج بول و غائط را می شویند با پنج شرط پاک است. اول آنکه بو یا رنگ یا مزه آب به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد، دوم نجاستی از

خارج به آن نرسیده باشد ، سوم نجاست دیگری مثل خون یا بول یا غائط بیرون نیامده باشد، چهارم ذره های غائط در آب پیدا نباشد ، پنجم بیشتر از مقدار معمول نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد .

۳- آب جاری

مسئله ۲۹: آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

مسئله ۳۰: اگر نجاستی به آب جاری برسد ، مقداری از آن که بو یا رنگ یا مزه اش به واسطه نجاست تغییر کرده نجس است و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آبهای دیگر نههر اگر به اندازه کر باشد یا به واسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد پاک و گرنه نجس است .

مسئله ۳۱: آب چشمه ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می جوشد حکم آب جاری دارد ، یعنی اگر نجاست به آن رسید تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است .

مسئله ۳۵: آب لوله های حمام که از شیرها و دوش ها می ریزد اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است ، و آب لوله های عمارات اگر متصل به کر باشد در حکم آب کر است .

مسئله ۳۶: آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی جوشد ، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می شود . اما اگر از بالا با فشار به پائین بریزد چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی شود.

۴- آب باران

مسئله ۳۷: اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه بیارد جایی که باران به آن برسد پاک می شود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می آید.

مسئله ۳۸: اگر باران به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته پاک است. پس اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند، چنانچه ذره ای خون در آن باشد، یا آنکه بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشد نجس می باشد.

مسئله ۴۰: زمین نجسی که باران بر آن بیارد پاک می شود. و اگر باران بر زمین جاری شود و بجای نجسی که زیر سقف است برسد آن را نیز پاک می کند.

مسئله ۴۱: خاک نجسی که بواسطه باران گل شود و آب آن را فراگیرد پاک است اما اگر فقط رطوبت به آن برسد پاک نمی شود.

۵- آب چاه

مسئله ۴۴: آب چاهی که از زمین می جوشد اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است، ولی مستحب است بعد از رسیدن بعضی از نجاست ها مقداری که در کتاب های مفصل گفته شده از آب آن بکشند.

مسئله ۴۵: اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، موقعی پاک می شود که با آبی که از چاه می جوشد مخلوط گردد.

احکام آبها

مساله ۴۷: آب مضاف که معنی آن گفته شد چیز نجس را پاک نمی کند ، وضو و غسل هم با آن باطل است .

مساله ۴۸: اگر ذره ای نجاست به آب مضاف برسد نجس می شود.

مساله ۵۵: آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه نجس است .

نجاسات

مساله ۸۳: نجاسات یازده چیز است: اول بول ، دوم غائط ، سوم منی ، چهارم مردار ، پنجم خون ، ششم و هفتم سگ و خوک ، هشتم کافر ، نهم شراب، دهم فقاغ ، یازدهم عرق شتر نجاست خوار .

۱-۲ بول و غائط

مساله ۸۴: بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که «اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند» نجس است ولی فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارد پاک است .

مساله ۸۵: فضله پرندگان حرام گوشت نجس است .

۳-منی

مساله ۸۷: منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است

۴-مردار

مسئله ۸۸: مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است ، چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده آن را کشته باشند . و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در آب بمیرد پاک است .

مسئله ۸۹: چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان روح نداشته اگر از غیر حیوانی باشد که مثل سگ نجس است، پاک می باشد .

مسئله ۹۰: اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است .

مسئله ۹۱: پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادن شان رسیده اگر چه آنها را بکنند پاک است ، ولی بنا بر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادش نرسیده و آن را کنده اند اجتناب نمایند.

مسئله ۹۲: دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاک است .

مسئله ۹۳: گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است و هم چنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمانی باشد ، ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه نجس می باشد . و نیز بنا بر احتیاط واجب بدانند مسلمان با آن معامله پاکی نموده پاک است ولی اگر بدانند رسیدگی نکرده نجس می باشد.

۵-خون

مسئله ۹۴: خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند نجس است ، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارند پاک می باشد.

مسئله ۹۷: اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش می ماند پاک است. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد آن خون نجس است.

مسئله ۹۸: خونی که در تخم مرغ می باشد نجس نیست ولی خوردن آن حرام است، و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود خوردن زرده هم مانعی ندارد.

مسئله ۹۹: خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می شود نجس است و شیر را نجس می کند.

مسئله ۱۰۰: خونی که از لای دندان ها می آید، نجس و خوردن آن حرام است ولی اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است، و فرو بردن آب دهان در این صورت اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۱: خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک است، و اگر به آن خون بگویند در صورتی که ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد باید برای غسل و وضو خون را بیرون بیاورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند و پارچه و یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند.

مسئله ۱۰۲: اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده با گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده پاک است.

مسئله ۱۰۳: اگر موقع جوشیدن غذا ذره ای خون در آن بیافتد تمام غذا و ظرف آن نجس می شود. و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست.

مسئله ۱۰۴: زردابه ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می شود ، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می باشد.

۶-۷-سگ و خوک

مسئله ۱۰۵: سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبتهای آنها نجس است ولی سگ و خوک دریائی پاک است .

۸-کافر

مسئله ۱۰۶: کافر یعنی کسی که منکر خدا است ، یا برای خدا شریک قرار می دهد ، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ را قبول ندارد ، نجس است و همچنین است اگر در یکی از اینها شک داشته باو نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه مسلمانان جزء دین اسلام می دانند منکر شود چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن چیز برگردد به انکار خدا یا توحید یا نبوت نجس می باشد ، و اگر ضروری دین بودن آن را نداند به طوری که انکار آن به انکار خدا یا توحید یا نبوت برگردد بهتر آن است که از او اجتناب کند .

مسئله ۱۰۷: تمام بدن کافر حتی مو و ناخن و رطوبتهای او نجس است .

مسئله ۱۱۰: اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد ، یا با آنان دشمنی داشته باشد نجس است .

۹-شراب

مسئله ۱۱۱: شراب و هر چیزی که انسان را مست می کند ، چنانچه به خودی خود روان باشد نجس است .

مسئله ۱۱۲: الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند اینها بکار می برند اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده اند پاک می باشد .

۱۰- فقاع

مسئله ۱۱۵: فقاع که از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند نجس است . ولی آبی که به دستور طیب از جو می گیرند و به آن ماء الشعیر می گویند پاک می باشد .

عرق جنب از حرام

مسئله ۱۱۶: عرق جنب از حرام نجس نیست ، ولی احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده نماز نخوانند .

۱۱- عرق شتر نجاست خوار

مسئله ۱۲۰: عرق شتر نجاست خوار نجس است ، ولی اگر حیوانات دیگر نجاست خوار شوند از عرق آنها اجتناب لازم نیست .

مسئله ۱۲۱: راه ثابت شدن نجاست: نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود : اول آنکه خود انسان یقین کند چیزی نجس است ، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه و مهمانخانه هایی

که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنها غذا می خورند، اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی که برای او آورده اند نجس است اشکال ندارد. دوم آن که کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می باشد، سوم آنکه دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است بنا بر احتیاط واجب باید از آن چیز اجتناب کرد.

مسئله ۱۲۳: چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه نجس است، و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه پاک است. و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واریسی کند.

مسئله ۱۲۴: اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می کند نجس شده و نداند کدام است باید از هر دو اجتناب کند، بلکه اگر مثلاً نمی داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که بعد از این علم از مورد ابتلای او خارج شده و هیچ از آن استفاده نمی کند و مال دیگری است باز هم واجب است که از لباس خودش اجتناب کند.

راه نجس شدن چیزهای پاک

مسئله ۱۲۵: اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد چیز پاک نجس می شود و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد چیزی که پاک بوده نجس نمی شود.

مسئله ۱۲۶: اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه آن چیز پاک نجس نمی شود.

مسئله ۱۲۸: زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می شود و جاهای دیگر آن پاک است و همچنین است خیار و خربزه و مانند اینها .

مسئله ۱۲۹: هر گاه شیر و روغن روان باشد همین که یک نقطه از آن نجس شد تمام آن نجس می شود . ولی اگر روان نباشد نجس نمی شود .

مسئله ۱۳۱: اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود هر جا که عرق به آن برسد نجس می شود ، و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است .

مسئله ۱۳۲: اخلاطی که از بینی یا گلو می آید ، اگر خون داشته باشد ، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است ، پس اگر به بیرون از دهان یا بینی برسد ، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده است ، و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می باشد .

مسئله ۱۳۳: اگر آفتابه ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود ، آب آفتابه نجس می شود ، بلکه اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد ، باز هم بنا بر احتیاط واجب باید از آب آفتابه اجتناب کرد ، ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود آب آفتابه نجس نمی شود .

احکام نجاسات

مسئله ۱۳۵: نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است ، و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند .

مسئله ۱۳۶: اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد باید آن را آب بکشند.

مسئله ۱۴۱: خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و نیز خوراندن عین نجس به اطفال در صورتی که ضرر داشته باشد حرام می باشد. بلکه اگر ضرر هم نداشته باشد باید از آن خودداری کنند، ولی خوراندن غذاهایی که نجس شده است به اطفال حرام نیست.

مسئله ۱۴۳: اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند لازم نیست به او بگوید.

مسئله ۱۴۴: اگر جایی از خانه و یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است لازم نیست به آنان بگوید.

مسئله ۱۴۵: اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمان ها بگوید اما اگر یکی از مهمان ها بفهمد لازم نیست به دیگران خبر دهد، ولی چنانچه طوری با آن معاشرت دارد که می داند که به واسطه نگفتن خود او هم نجس می شود باید بعد از غذا به آنان بگوید.

مسئله ۱۴۶: اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود اگر بداند که صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن استعمال می کند واجب است به او بگوید.

مُطَهَّرَات

مسئله ۱۴۸: ده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند: اول آب، دوم زمین، سوم آفتاب، چهارم استحاله. پنجم انتقال، ششم اسلام، هفتم تبعیت، هشتم بر طرف شدن عین نجاست، نهم استبراء حیوان نجاست خوار، دهم غائب شدن مسلمان.

۱- آب

مسئله ۱۴۹: آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند: اول آنکه مطلق باشد؛ پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را پاک نمی کند، دوم آنکه پاک باشد، سوم آنکه وقتی چیز نجس را می شویند آب مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند، چهارم آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس عین نجاست در آن نباشد و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر، شرطهای دیگری هم دارد که بعداً گفته می شود.

مسئله ۱۵۰: ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست، بلکه در کر و جاری هم احتیاط سه مرتبه است گرچه اقوی کفایت یک مرتبه است، ولی ظرفی که سگ لیسیده یا از آن ظرف آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اول با خاک پاک خاک مال کرد و بعد بنا بر احتیاط واجب دو مرتبه در کر یا جاری یا آب قلیل شست، و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاک مال کرد.

مسئله ۱۵۱: اگر چیز نجس را بعد از بر طرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود. و احتیاط واجب آن است که فرش و لباس و مانند اینها را طوری فشار یا حرکت دهند که آب داخل خارج شود.

مسئله ۱۶۰: اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می شود. ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید (و غساله آبی

است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می شود خود به خود یا به وسیله فشار بیرون می ریزد.)

مسئله ۱۶۳: اگر چیزی به غیر بول نجس شود ، چنانچه بعد از بر طرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می گردد . و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می ریزند نجاست آن بر طرف شود و بعد از بر طرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می شود . ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غسل آن بیرون آید .

مسئله ۱۶۴: اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود به فرو بردن در کر و جاری پاک می گردد. و اگر باطن آنها نجس شود پاک نمی گردد.

مسئله ۱۶۵: اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه باطن آن پاک است .

مسئله ۱۶۶: اگر ظاهر برنج و گوشت و یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد ، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می شود . و ظرف آن هم پاک می شود . ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند باید در هر مرتبه که آب روی آن می ریزند آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند ، تا غسله ای که در آن جمع شده بیرون بریزد .

مسئله ۱۶۸: اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب در آن بینند ، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است .

مسئله ۱۷۰: هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن بر طرف نکنند پاک نمی شود. ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس بر طرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند پاک می باشد ، اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده نجس است .

مسئله ۱۷۱: اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری بر طرف کنند بدن پاک می شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست .

مسئله ۱۷۲: غذای نجسی که لای دندانها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد پاک می شود.

مسئله ۱۷۵: گوشت و دنبه ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود و همچنین است اگر بدن یا لباس ، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

مسئله ۱۷۷: چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست ، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند پاک می شود ، و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن ، زیر شیر یا به وسیله دیگر بر طرف شود ، و آبی که از آن چیز می ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود نگرفته باشد با آب شیر پاک می گردد. اما اگر آبی که از آن می ریزد بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست به خود گرفته باشد باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می شود بو یا رنگ یا مزه دیگری به واسطه نجاست نباشد .

مسئله ۱۷۸: اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن بر طرف کرده یا نه ، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه بر طرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است و اگر متوجه بر طرف کردن عین نجاست نبوده بنا بر احتیاط متسحب باید دوباره آن را آب بکشد .

۲-زمین

مسئله ۱۸۳: زمین با سه شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند اول آنکه زمین پاک باشد. دوم آنکه خشک باشد . سوم آنکه اگر عین نجس مانند خون و بول، یا منتجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین بر طرف شود. و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد و

یا راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه ، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی شود ، و اگر به واسطه غیر راه رفتن نجس شده باشد پاک شدنش به واسطه راه رفتن اشکال دارد .

مسئله ۱۸۴: پاک شدن کف پا و ته کفش نجس به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمین که با چوب فرش شده محل اشکال است .

مسئله ۱۸۵: برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند ، اگر چه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین نجاست بر طرف شود .

مسئله ۱۸۶: بعد از آنکه کف پا یا ته کفش نجس به واسطه راه رفتن پاک شد مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می شود اگر زمین یا خاک به آن اطراف برسد پاک می گردد .

۳- آفتاب

مسئله ۱۹۱: آفتاب ، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کاربرده شده ، و همچنین میخ را که به دیوار کوبیده اند و جزء ساختمان حساب می شود با شش شرط پاک می کند : اول آنکه چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود ، پس اگر خشک باشد باید به وسیله ای آن را تر کنند تا آفتاب آن را خشک کند ، دوم آنکه اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تاییدن آفتاب آن را بر طرف کنند ، سوم آنکه چیزی از تاییدن آفتاب جلوگیری نکند ، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند ، آن چیز پاک نمی شود ، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تاییدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد . چهارم آنکه آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی گردد ، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد . پنجم آنکه آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند ، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند ، و دفعه دیگر زیر آنرا خشک نماید ، فقط روی آن پاک می شود و زیر آن نجس می ماند . ششم آنکه ما بین

روی زمین یا ساختمان که آفتاب به آن می تابد و داخل آن هوا یا جسم پاک دیگری فاصله نباشد .

مسئله ۱۹۲: آفتاب حصیر نجس را پاک می کند و همچنین درخت و گیاه به واسطه آفتاب پاک می شود.

۴- استِحاله

مسئله ۱۹۵: اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاک درآید پاک می شود ، و می گویند استِحاله شده است . مثل آنکه چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد . یا سگ در نمکزار فرو رود و نمک شود ، ولی اگر جنس آن عوض نشود مثل آنکه گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند پاک نمی شود.

۵- کم شدن دو سوم آب انگور

مسئله ۲۰۲: آب انگوری که جوش آمده پیش از آنکه ثلثان شود، یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند نجس نیست، ولی خوردن آن حرام است، ولی اگر ثابت شود که مست کننده است حرام و نجس می باشد، و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می شود.

۶- انتقال

مسئله ۲۰۵: اگر خون بدن انسان و یا خون حیوانی که خون جهنده دارد ، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد ، و این را انتقال می گویند . پس خونی که زالو از انسان می مکد چون زالو به آن گفته نمی شود و می گویند خون انسان است نجس می باشد.

مسئله ۲۰۶: اگر کسی پشه ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می باشد، پاک است و همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود. اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که می گویند خون پشه است یا خون انسان نجس می باشد.

۲-اسلام

مسئله ۲۰۷: اگر کافر شهادتین بگوید یعنی بگوید: (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ) مسلمان می شود و بعد از مسلمان شدن بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن عین نجاست به بدن او بوده. باید بر طرف کند و جای آن را آب بکشد، ولی اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست بر طرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد.

۸-تبعیت

مسئله ۲۱۰: تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود.

مسئله ۲۱۱: اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آنجا رسیده پاک می شود، و کهنه و چیزی که معمولاً روی آن می گذارند اگر به آن رطوبت نجس شود پاک می گردد. بلکه اگر موقع جوشیدن سر برود و پشت ظرف به آن آلوده شود. بعد از سرکه شدن پشت ظرف هم پاک می شود.

مسئله ۲۱۳: کسی که چیزی را با دست خود آب می کشد اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می شود.

۹-برطرف شدن عین نجاست

مسئله ۲۱۶: اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون. یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها بر طرف شود، بدن آن حیوان پاک می شود. و همچنین است

باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی . مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود ، آب کشیدن توی دهان لازم نیست . ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود ، باید آن را آب بکشند به احتیاط واجب .

مسئله ۲۱۷: اگر غذای لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید ، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد بنا بر احتیاط واجب نجس می شود.

مسئله ۲۱۸: جایی را که انسان نمی داند از ظاهر بدن است یا باطن آن اگر نجس شود لازم نیست آب بکشد اگر چه آب کشیدن احوط است .

۱۰- استبراء حیوان نجاست خوار

مسئله ۲۲۰: بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند، یعنی تامدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاست خوار به آن نگویند ، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند ، و باید شتر نجاست خوار را چهل روز و گاو را بیست روز و گوسفند را ده روز و مرغابی را هفت یا پنج روز و مرغ خانگی را سه روز از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بدهند.

۱۱- غائب شدن مسلمان

مسئله ۲۲۱: اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار او است نجس شود و آن مسلمان غائب گردد اگر انسان احتمال بدهد که آن چیز را آب کشیده یا به واسطه آنکه مثلاً آن چیز در آب جاری افتاده پاک شده است اجتناب از آن لازم نیست .

مسئله ۲۲۳: کسی که وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد و لباس هم در تصرف او باشد اگر بگوید آب کشیدم آن لباس پاک است .

احکام ظرفها

مسئله ۲۲۶: خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آنها حرام است ولی استعمال آنها در زینت اطاق حرام نیست، و نگاه داشتن نیز حرام نمی باشد.

مسئله ۲۲۹: گیره استکان که از طلا یا نقره می سازند اگر بعد از برداشتن استکان به آن ظرف گفته شود، استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان حرام است و اگر ظرف به آن گفته نشود استعمال آن مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۰: استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده اند اشکال ندارد.

وضو

مسئله ۲۳۶: در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

مسئله ۲۳۷: درازای صورت را باید از بالای پیشانی - جایی که موی سر بیرون می آید - تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشوید وضو باطل است. و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

مسئله ۲۴۰: اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است، و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

مسئله ۲۴۳: باید صورت و دستها را از بالا به پائین شست، و اگر از پائین به بالا بشوید وضو باطل است.

مسئله ۲۴۴: اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد. چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

مسئله ۲۴۵: بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت ها بشوید .

مسئله ۲۴۶: برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید .

مسئله ۲۴۷: کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا مچ شسته . در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید وضوی او باطل است.

مسئله ۲۴۸: در وضو شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جائز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می باشد ، و اگر با یک مشت آب تمام عضو شسته شود و به قصد وضو بریزد یک مرتبه حساب می شود چه قصد بکند یک مرتبه را یا قصد نکند .

مسئله ۲۴۹: بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند ، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید .

مسئله ۲۵۰: یک قسمت از چهار قسمت سر که مقابل پیشانی است جای مسح سر می باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

مسئله ۲۵۱: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است . ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد ، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید ، و اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید ، یا بر موی جاهای دیگر سر ، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است .

مسئله ۲۵۲: بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتان تا برآمدگی روی پا مسح کند .

مسئله ۲۵۳: پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر آن است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نمایید، و بهتر از آن مسح تمام روی پا است.

مسئله ۲۵۴: اگر در مسح با همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد صحیح است.

مسئله ۲۵۵: در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۶: جای مسح باید خشک باشد. و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

مسئله ۲۵۷: اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

مسئله ۲۵۸: اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضاء دیگر وضو رطوبت بگیرد.

مسئله ۲۶۰: اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد باید تیمم نماید.

وضوی ارتماسی

مسئله ۲۶۱: وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد. و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می برد نیت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح است، و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح می باشد.

مسئله ۲۶۲: در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پائین شسته شود پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می برد قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

مسئله ۲۶۳: اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.

شرایط وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است:

شرط اول - آن که آب وضو پاک باشد.

شرط دوم - آنکه مطلق باشد.

مسئله ۲۶۵: وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد، و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

مسئله ۲۶۶: اگر غیر از آب گل آلود و مضاف آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است باید تیمم کند، و اگر وقت دارد احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم - آن که آب وضو مباح باشد.

مسئله ۲۶۷: وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه حرام و باطل است، ولی اگر سابقاً راضی بوده و انسان نمی داند که از رضایتش برگشته یا نه وضو صحیح است، و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، وضوی او صحیح است.

مسئله ۲۶۹: کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند که حوض آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند، نمی تواند از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی خواهند در آنجا نماز بخوانند از حوض آن وضو می گیرند، می تواند از حوض آن وضو بگیرد.

مسئله ۲۷۰: وضو گرفتن از حوض تیمچه ها و مسافر خانه ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آنجاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آنجاها نیستند با آب آنها وضو بگیرند.

شرط چهارم - آن که ظرف آب وضو مباح باشد.

شرط پنجم - آنکه ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

مسئله ۲۷۳: اگر آب وضو در ظرف طلا یا نقره یا غصبی باشد و غیر از آن اب دیگری نداشته باشد باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد در ظرف غصبی باطل است و در ظرف طلا و نقره بنا بر احتیاط واجب باید تیمم کند و در صورتی که با مشت یا چیز دیگر آب از آنها بردارد و به صورت و دستها بریزد وضوی او صحیح است.

شرط ششم - آنکه اعضاء وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.

مسئله ۲۷۶: اگر پیش از تمام شدن وضو جایی را که شسته یا مسح کرد، نجس شود وضو صحیح است.

مسئله ۲۷۸: اگر یکی از اعضاء وضو نجس باشد و بعد از وضو شك کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده وضو باطل است، و اگر می داند ملتفت بوده، یا شك دارد که ملتفت بوده یا نه وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.

مسئله ۲۷۹: اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم - آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد .

مسئله ۲۸۰: هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد تمام نماز با مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند ، ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم باشد باید وضو بگیرد .

شرط هشتم - آن که به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد ، و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است .

مسئله ۲۸۲: لازم نیست تیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب بگذراند ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد . به طوری که اگر از او پرسیدند چه می کنی بگوید وضو می گیرم .

شرط نهم - آن که وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید و باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند ، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است .

شرط دهم - آن که کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهد .

مسئله ۲۸۳: اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است . و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلّی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد ، وضو صحیح است .

مسئله ۲۸۴: اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شده باشد وضوی او صحیح است .

شرط یازدهم - آنکه شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید وضو باطل است .

شرط دوازدهم - آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد .

شرط سیزدهم - آنکه در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد .

مسئله ۲۹۰: اگر می داند چیزی به اعضاء وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

مسئله ۲۹۵: اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به انجا رسانده یا نه ، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که موقع وضو ملتفت آن مانع نبوده باید دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۲۹۷: اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضاء وضو بیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده وضوی او صحیح است ، ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده ، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد .

احکام وضو

مسئله ۲۹۹: کسی که در کارهای وضو و شرائط آن مثل پاک بودن آب و غضبی بودن آن خیلی شک می کند باید به شک خود اعتنا نکند .

مسئله ۳۰۱: کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.

مسئله ۳۰۳: اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه نماز او صحیح است ، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

مسئله ۳۰۴: اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه ، نماز او باطل است، و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند .

مسئله ۳۰۵: اگر بعد از نماز شک کند ، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز ، نمازی که خوانده صحیح است .

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت

مسئله ۳۱۶: برای شش چیز باید وضو گرفت: اول نمازهای واجب غیر از نماز میت . دوم برای سجده و تشهد فراموش شده ، اگر بین آنها و نماز حدیثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد. سوم برای طواف واجب خانه کعبه. چهارم اگر نذر یا عهد کرده باشد یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد . پنجم اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند . ششم برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن ، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد باید بدون اینکه وضو بگیرد ، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون بیاورد، یا اگر نجس شده آن را آب بکشد و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند .

مسئله ۳۱۷: مس نمودن خط قرآن ، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد.

مسئله ۳۱۹: کسی که وضو ندارد ، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید . و مس اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا (س) هم اگر هتک و بی احترامی باشد حرام است. و بنابر احتیاط واجب چنانچه بی احترامی هم نباشد مس ننماید .

مسئله ۳۲۰: اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه باطهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند صحیح است و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.

مسئله ۳۲۱: کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.

چیزهای که وضو را باطل می کند.

مسئله ۳۲۳: هفت چیز وضو را باطل می کند: اول بول، دوم غائط، سوم باد معده و روده که از مخرج غائط خارج می شود. چهارم خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود. پنجم چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم استحاضه زنان، هفتم کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند و دوی که روی زخم و مانند آن می گذارند جبیره نامیده می شود.

مسئله ۳۲۴: اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

مسئله ۳۲۵: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و روی آن باز باشد و آب ریختن روی آن ضرر داشته باشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است ولی چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاک روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد. و اگر این مقدار هم

ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی شود آب کشید ، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط مستحب پارچه پاک‌ی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد ، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست .

مسئله ۳۲۶: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها باشد و روی آن باز باشد ، چنانچه نتواند روی آن را مسح کند ، باید پارچه پاک‌ی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند ، و بنابر احتیاط مستحب تیمم هم بنماید ، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد ، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح هم بگیرد .

مسئله ۳۲۷: اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد ، چنانچه باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت هم ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد ، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دست ها باشد ، یا جلوی سر و روی پاها.

مسئله ۳۲۸: اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست ها باشد و بشود روی آن را باز کرد ، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد ، واجب است دست تر روی آن بکشد .

مسئله ۳۲۹: اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر مشقت هم ندارد ، باید آب را به روی زخم برساند ، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است ، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم بدون زحمت و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند ، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آنکه رساندن آب به روی زخم ممکن نیست ، یا زخم نجس است و نمی شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید ، و اگر جیره پاک است روی آن را مسح کند ، و اگر جیره نجس است یا نمی شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً دوايي است که به دست می چسبد ، پارچه پاک‌ی را به طوری که جزء جیره حساب شود

، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد ، و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید .

مسئله ۳۳۰: اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد ، باید وضوی جبیره ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید .

مسئله ۳۳۱: اگر جبیره تما یا بیشتر اعضاء وضو را بگیرد باید تیمم بنماید .

مسئله ۳۳۶: اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ، ولی به جهت دیگری آب برای تمام دست و صورت ضرر دارد ، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضو جبیره ای هم بگیرد ، ولی اگر برای مقداری از دست و صورت ضرر دارد چنانچه اطراف آن را بشوید کافی بودن بعید نیست ، ولی احتیاط به تیمم ترک نشود .

مسئله ۳۳۸: اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست ، یا به قدری مشقت دارد که نمی شود تحمل کرد ، باید به دستور جبیره عمل کند .

مسئله ۳۳۹: غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است ، ولی باید آن را ترتیبی بجا آورند و اگر ارتماسی انجام دهند باطل است .

برای آگاهی از غسلهای واجب و احکام آن به رساله عملیه مراجعه فرمائید .

تیمم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد .

اول از موارد تیمم

آنکه تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد .

مسئله ۶۴۸: اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل، به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن نا امید شود، و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است و یا به واسطه درخت و مانند آن عبور در آن زمین مشکل است باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می کردند در جستجوی آب برود و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

مسئله ۶۵۹: اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، درجایی که جستجو کرده آب بوده نماز او صحیح است.

دوم از موارد تیمم

مسئله ۶۶۴: اگر به واسطه پیری، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها نداشتن وسیله ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

سوم از موارد تیمم

مسئله ۶۶۹: اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه استعمال آن مرضی یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد یا شدت کند، یا به سختی معالجه شود. باید تیمم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

مسئله ۶۷۰: لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود باید تیمم کند.

چهارم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۴: هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی

بمیرند یا مریض شوند ، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد باید به جای وضو و غسل تیمم نمایند و نیز اگر بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر معمولاً برای خوردن سرش را نمی برند از تشنگی تلف شود ، باید آب را به آن بدهد و تیمم کند اگر چه حیوان مال خودش نباشد و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

پنجم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۶: کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند ، برای آب کشیدن لباس او نمی ماند باید بدن یا لباس خود را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند . ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند ، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند .

ششم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۷: اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد، مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن آب و ظرف دیگری ندارد باید به جای وضو و غسل تیمم کند .

هفتم از موارد تیمم

مسئله ۶۷۸: هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود ، باید تیمم کند .

چیزهای که تیمم به آنها صحیح است

مسئله ۶۸۴: تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ اگر پاک باشند صحیح است ، و به گل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است .

مسئله ۶۸۵: تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگها صحیح است ولی تیمم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می باشد و

احتیاط واجب آن است که با بودن یکی از چیزهایی که در مسأله ۶۸۴ گفته شد به گچ و آهک پخته تیمم نمایند و در صورت نبودن یکی از آنها احتیاط واجب آن است که هم تیمم بر گچ یا آهک پخته نموده و هم بر گرد و غبار یا گل و چنانچه گرد و غبار یا گل نباشد احتیاط واجب آن است که تیمم بر یکی از آن دو نموده نماز را بخواند و بعد اعاده یا قضا نماید .

مسأله ۲۹۲: چیزی که بر آن تیمم می کند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم بر آن صحیح است ندارد، نماز بر او واجب نیست ولی باید قضای آن را به جا آورد .

مسأله ۲۹۴: چیزی که بر آن تیمم می کند باید غصبی نباشد .

دستور تیمم

مسأله ۷۰۰: در تیمم چهار چیز واجب است : اول نیت . دوم زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است. سوم کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن. از جایی که موی سر می روید ، تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دستها روی ابروها هم، کشیده شود. چهارم کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

مسأله ۷۰۱: تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند .

احکام تیمم

مسأله ۷۰۴: پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پائین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سرهم بجا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند باطل است .

مسأله ۷۰۶: در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد ، باید با همان کف دست نجس تیمم کند .

مسئله ۷۰۷: انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دستها مانعی باشد، مثلاً چیزی به آن‌ها چسبیده باشد، باید بر طرف نماید.

مسئله ۷۰۸: اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

مسئله ۷۱۳: اگر بعد از مسح دست چپ شكّ کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

مسئله ۷۲۰: چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند، و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

احکام نماز

نماز مهمّترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند شود، عیادتهای دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. و همانطور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک شمرد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: کسی که به نماز اهمّیت ندهد و آن را سبک شمرد سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند مردی وارد و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را کاملاً بجا نیاورد، حضرت فرمود: اگر این مرد در حالی که نمازش این‌طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتاب زدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجّه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز

کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی خبر می شود، چنانچه در حال نماز تیر از پای مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناہانی که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می کند بجا نیآورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند بجا آورد. مثلاً انگشتی عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است. اول نماز یومیه، دوم نماز آیات، سوم نماز میت، چهارم نماز طواف واجب خانه کعبه، پنجم نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است، ششم نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می شود.

نمازهای واجب یومیه

نمازهای واجب یومیه پنج است. ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشاء چهار رکعت، صبح دو رکعت.

احکام وقت نمازها

مسئله ۷۴۲: موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، با دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

مسئله ۷۴۷: اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه بجا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید آن مستحب را بجا نیآورد. مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید قنوت نخواند. و اگر بخواند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است.

مسئله ۷۴۸: کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

مسئله ۷۵۳: کسی که مسائل نماز و شکایات و سهویات نماز را نمی داند اگر مطمئن است که در نماز پیش می آید واجب است آنها را باید بگیرد بلکه بنابر احتیاط واجب مسائلی را که احتمال می دهد در نماز پیش می آید باید یاد بگیرد ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می کند، می تواند در اول وقت مشغول نماز شود، پس اگر در نماز مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش نیاید نماز او صحیح است و اگر مسأله ای که حکم آن را نمی داند پیش آید، می تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

مسئله ۷۵۵: انسان باید نماز عصر با بعداز نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.

احکام قبله

مسئله ۷۷۶: خانه کعبه که درمکه می باشد قبله است، و باید روبروی آن نماز خواند، ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند روبه قبله نماز می خواند کافی است و همچنین است کارهای دیگری که مانند سربریدن حیوانات، باید رو به قبله انجام گیرد.

لباس نماز گزار

مسئله ۷۹۸: لباس نماز گزار شش شرط دارد: اول آنکه پاک باشد. دوم آنکه مباح باشد. سوم آنکه از اجزاء مردار نباشد. چهارم آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم

و ششم آنکه اگر نماز گزار مرد است ، لباس او از ابریشم خالص و طلا باف نباشد . و تفصیل اینها در مسائل آینده می آید .

شرط اول

مسئله ۷۹۹: لباس نماز گزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است .

مسئله ۸۰۲: اگر نداند بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد ، دوباره آن نماز را بخواند.

مسئله ۸۰۳: اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید ، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۸۰۷: کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد ، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده . نماز او صحیح است .

مسئله ۸۰۹: اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلاً یقین کند که خون پشه است ، چنانچه بعد از نماز بفهمد که خون هایی بوده که نمی شود با آن نماز خواند ، نماز او صحیح است .

مسئله ۸۱۰: هرگاه یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است ، مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است ، اگر چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است نمازش صحیح است .

مسئله ۸۱۱: اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید ، نماز او صحیح است . ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون آنکه خود را آب بکشد ، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است . و نیز اگر جایی از اعضاء وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و

پیش از آنکه آنجا را آب بکشد ، وضو بگیرد و نماز بخواند ، وضو و نمازش باطل می باشد .

شرط دوم

مسئله ۱۱۵: لباس نمازگزار باید مباح باشد و کسی که می داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند باید آن نماز را با لباس غیر غضبی اعاده نماید.

شرط سوم

مسئله ۱۲۱: لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده ای که خون جهنده دارد ، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می کند، نباشد . بلکه اگر از حیوان مرده ای که مانند ماهی و مار خون جهنده ندارد لباس تهیه کند ، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند .

شرط چهارم

مسئله ۱۲۴: لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر موئی از آن هم همراه نمازگزار باشد ، نماز او باطل است .

شرط پنجم

مسئله ۱۳۱: پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است ، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۲: زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل

است . و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند ، ولی زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد .

مکان نماز گزار

مکان نماز گزار چند شرط دارد : شرط اول آنکه مباح باشد .

مسئله ۸۶۶: کسی که در ملک غصبی نماز می خواند اگر چه روی فرش و تخت و مانند اینها باشد ، نمازش باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد .

مسئله ۸۶۷: نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه کسی که منفعت ملک ، مال او می باشد باطل است ، مثلاً در خانه اجاره ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند . مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند ، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملک او نماز خواند .

شرط دوم آنکه مکان نماز گزار بی حرکت باشد .

مسئله ۸۸۰: مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد ، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند ، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند به طرف قبله برگردد .

شرط سوم آنکه در جایی که سقف آن کوتاه است نمی تواند در آنجا راست بایستد یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند باید به قدری که ممکن است قیام ورکوع و سجود را بجا آورد.

شرط چهارم آنکه مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است ، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد .

شرط پنجم آنکه جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای او ، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد ، و احتیاط واجب آن است که از سر انگشتان پا هم بیشتر از این پست تر و بلند تر نباشد .

اذان و اقامه

مسئله ۹۱۶: برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای یومیّه اذان و اقامه بگویند ، ولی پیش از نماز عید فطر و قربان ، مستحب است سه مرتبه بگویند : (الصَّلَاةُ) و در نمازهای واجب دیگر سه مرتبه (الصَّلَاةُ) را به قصد رجاء بگویند .

مسئله ۹۱۸: اذان هجده جمله است : اللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه (اشهد ان لا اله الا الله، اشهد انّ محمداً رسول الله ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ ، اللَّهُ أَكْبَرُ ، لا اله الا الله) هر یک دو مرتبه ، و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه اللَّهُ أَكْبَرُ از اوّل اذان و یک مرتبه لا اله الا الله از آخر آن کم می شود و بعد از گفتن حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ باید دو مرتبه قد قامت الصَّلَاةُ اضافه نمود .

واجبات نماز

واجبات نماز یازده چیز است : اوّل نِيَّتْ ، دوم قیام یعنی (ایستادن) سوم تکبیره الاحرام یعنی گفتن الله اکبر در اوّل نماز ، چهارم رکوع ، پنجم سجود، ششم قرائت ، هفتم ذکر ، هشتم تشهد ، نهم سلام ، دهم ترتیب ، یازدهم موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز.

مسئله ۹۴۲: بعضی از واجبات نماز رکن است ، یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد ، یا در نماز اضافه کند عمداً باشد یا اشتهاً ، نماز باطل می شود . و بعضی دیگر رکن نیست ، یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود ، نماز باطل می شود و چنانچه اشتهاً کم یا زیاد شود نماز باطل نمی شود ، و رکن نماز پنج چیز است : اول نیت . دوم تکبیر الاحرام . سوم قیام در موقع گفتن تکبیر الاحرام و قیام متصل به رکوع . یعنی ایستادن پیش از رکوع . چهارم رکوع . پنجم دو سجده .

نیت

مسئله ۹۴۳: انسان باید نماز را به نیت قربت ، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد ، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قربه الی الله .

مسئله ۹۴۶: انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند ، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند ، نمازش باطل است خواه فقط برای مردم باشد و یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد .

تکبیر الاحرام

مسئله ۹۴۸: گفتن الله اکبر در اول هر نماز واجب و رکن است و باید حروف (الله) و حروف (اکبر) و دو کلمه (الله اکبر) را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمه فارسی آن را بگوید صحیح نیست .

قیام (ایستادن)

مسئله ۹۵۸: قیام در موقع گفتن تکبیر الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند رکن است ، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند ، نمازش صحیح است .

مسئله ۹۶۰: اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود و اگر بدون اینکه بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده، نماز او باطل است.

مسئله ۹۶۱: موقعی که ایستاده است، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه ندهد ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

مسئله ۹۶۵: موقعی که انسان در نماز می خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید ولی (بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَأَقْعَدُ) را باید در حال برخاستن بگوید و در موقع گفتن ذکرهای واجب هم بدن باید بی حرکت باشد بلکه احتیاط واجب آن است که در موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد.

مسئله ۹۶۶: اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر می کند در نماز دستور داده اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر به این قصد نگوید، بلکه بخواهد ذکر گفته باشد نماز صحیح است.

مسئله ۹۶۷: حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد، اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.

قرائت

مسئله ۹۷۸: در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیّه، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

مسئله ۹۷۹: اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار باشد که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد می تواند سوره را نخواند.

مسئله ۹۸۱: اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهد نماز صحیح است .

مسئله ۹۸۲: اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود ، بفهد که حمد و سوره را نخوانده باید بخواند ، و اگر بفهد سوره را نخوانده ، باید فقط سوره را بخواند ولی اگر بفهد حمد تنها را نخوانده ، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند ، و نیز اگر خم شود و پیش از آنکه به رکوع برسد ، بفهد حمد و سوره ، یا سوره تنها ، یا حمد تنها را نخواند ، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید .

مسئله ۹۹۲: بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخواند .

مسئله ۹۹۳: مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشاء مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند و این در صورتی است که به کلمه بعد وصل کند و در غیر این صورت بلند خواندن حرف آخر کلمه لازم نیست .

مسئله ۹۹۴: زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند یا آهسته بخواند ، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنا بر احتیاط واجب باید آهسته بخواند .

مسئله ۹۹۵: اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند ، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند ، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهد اشتباه کرده ، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند .

مسئله ۱۰۰۵: در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی سه مرتبه بگوید : (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه را بگوید کافی است و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بگوید .

مسئله ۱۰۰۶: در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک بار بگوید .

مسئله ۱۰۰۷: بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز ، حمد یا تسبیحات را آهسته بخواند .

مسئله ۱۰۰۸: اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند ، بنابر احتیاط واجب باید بسم الله آن را هم آهسته بگوید .

رکوع

مسئله ۱۰۲۲: در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را رکوع می گویند .

مسئله ۱۰۲۸: انسان هر ذکری در رکوع بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ يَا يَكُ مَرْتَبَهُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ) کمتر نباشد .

مسئله ۱۰۳۳: اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب ، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد ، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود ، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد ، یادش بیاید نماز او صحیح است .

مسئله ۱۰۴۰: بعد از تمام شدن ذکر رکوع ، باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن ، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۴۱: اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید ، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد ، نمازش باطل است .

مسئله ۱۰۴۲: اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین برسد، یادش بیاید که رکوع نکرده بنا بر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

سجود

مسئله ۱۰۴۵: نماز گزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

مسئله ۱۰۴۶: دو سجده روی هم یک رکن است و اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۴۹: در سجده هر ذکر بگوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه *سُبْحَانَ اللَّهِ* یا یک مرتبه *سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى* و *بِحَمْدِهِ* کمتر نباشد.

مسئله ۱۰۵۴: اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از روی زمین بردارد، نماز باطل می شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۵۵: اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

مسئله ۱۰۵۶: بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره سجده رود.

مسئله ۱۰۶۵: مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می کند، باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۷۱: اگر پیشانی، بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد. روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است.

مسئله ۱۰۷۶: باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می روید، مانند چوب و برگ درخت سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی صحیح نیست و نیز سجده کردن بر چیزهای معدنی مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه باطل است اما سجده کردن بر سنگ های معدنی مانند سنگ مرمر و سنگ های سیاه اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۷۸: سجده بر چیزهای که از زمین می روید و خوراک حیوان است مثل علف و گاه صحیح است.

مسئله ۱۰۷۹: سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند، صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می روید، مانند گل بنفشه و گل گاوزبان صحیح نیست.

مسئله ۱۰۸۱: سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است بلکه به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم می شود سجده کرد.

مسئله ۱۰۸۲: اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از گاه ساخته باشند، می شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۸۳: برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است.

مسئله ۱۰۸۶: اگر در سجده اول ، مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده رود اشکال دارد .

سجده واجب قرآن

مسئله ۱۰۹۳: در هر یک از چهار سوره والنجم ، اقرء . الم تنزیل ، و حم سجده یک آیه سجده است ، که اگر انسان بخواند با گوش به آن دهد ، بعد از تمام شدن آن آیه ، باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد ، هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

تَشَهُد

مسئله ۱۱۰۰: در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید : **أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**.

مسئله ۱۱۰۲: اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده ، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید ، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز ، تشهد را قضا کند ، و بنا بر احتیاط واجب برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد .

سلام نماز

مسئله ۱۱۰۵: بعد از تشهد آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید : **الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ** و بعد از آن باید بگوید : **الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ** و بنا بر احتیاط واجب اضافه کند **وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ** یا بگوید **الْسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ** .

ترتیب

مسئله ۱۱۰۸: اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند ، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند ، یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد ، نماز باطل می باشد.

مسئله ۱۱۰۹: اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد ، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید ، نماز باطل است .

مسئله ۱۱۱۰: اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد ، مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند ، باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند .

مسئله ۱۱۱۱: اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد . مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۱۱۳: اگر سجده اول را به خیال اینکه سجده دوم است ، یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد ، نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب شود.

موالات

مسئله ۱۱۱۴: انسان باید نماز را با موالات بخواند ، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند نمازش باطل است گرچه به طور سهوی باشد .

قنوت

مسئله ۱۱۱۷: در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند، و در نماز وتر با آنکه یک رکعت می باشد ، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است ، و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد .

مُبطَلاتِ نماز

مساله ۱۱۲۶: دوازده چیز است که نماز را باطل می کند و آنها را مبطلات می گویند: اول آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است، دوم آنکه در بین نماز عمدتاً یا سهواً یا از روی ناچاری چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید، ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید نمازش باطل نمی شود.

سوم از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دستها را روی هم بگذارد.

چهارم از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد، آمین بگوید ولی اگر اشتهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نمی شود.

پنجم از مبطلات نماز آن است که عمدتاً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند. یا به طرف راست یا چپ قبله بر گردد، بلکه اگر عمدتاً به قدری بر گردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد. نمازش باطل است.

ششم از مبطلات نماز آن است که عمدتاً کلمه ای بگوید که از آن کلمه قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد بلکه اگر قصد هم نکند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند در صورتی که دو حرف یا بیشتر باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود.

هفتم از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است و چنانکه سهواً با صدا بخندد یا لبخند بزند نمازش باطل نمی شود.

مساله ۱۱۵۱: اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نماز گزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند.

هشتم از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، ولی اگر برای دنیا بی صدا گریه کند اشکال ندارد ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

نهم از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را بر هم بزند مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها کم باشد یا زیاد، عمداً باشد یا از روی فراموشی. ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

دهم از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است. اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می خواند

مسئله ۱۱۵۵: اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندان ها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود. اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود نمازش اشکال پیدا می کند.

یازدهم از مبطلات نماز شکّ در رکعت های نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید.

شکّیات

شکّیات نماز بیست و سه قسم است. هشت قسمت آن شکّ هایی است که نماز را باطل می کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

شکّ های مبطل

مسئله ۱۱۵۱: شکّهایی که نماز را باطل می کند از این قرار است.

اول شكّ در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر ، ولی شكّ در شماره رکعتهای نماز مستحب دورکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز رباطل نمی کند. دوم شكّ در شماره رکعتهای نمازهای سه رکعتی .

سوم آن که در نماز چهار رکعتی شكّ کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر .

چهارم آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم ، شكّ کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر ، در این صورت نمازش باطل و باید اعاده کند ، و بهتر آن است که عمل به حکم شكّ نماید و نماز را اعاده کند.

پنجم شكّ بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج .

ششم شكّ بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش .

هفتم شكّ در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است .

هشتم شكّ بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش چه پیش از تمام شدن سجده دوم باشد یا بعد از آن .

مساله ۱۱۶۶: اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید ، نمی تواند نماز را به هم بزند، ولی اگر به قدری فکر کند که شكّ پابرجا شود به هم زدن نماز مانعی ندارد.

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

مساله ۱۱۶۷: شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است .

اول شكّ در چیزی که محلّ به جا آوردن آن گذشته است ، مثل آنکه در رکوع شكّ کند که حمد را خوانده یا نه .

دوم شكّ بعد از سلام نماز .

سوم شكّ بعد از گذشتن وقت نماز .

چهارم شكّ كثيرالشكّ یعنی کسی که زیاد شكّ می کند.

پنجم شكّ امام در شماره رکعتهای نماز در صورتی که مأموم شماره آنها را بداند و همچنین شكّ مأموم در صورتی که امام شماره رکعتهای نماز را بداند .

ششم شكّ در نماز مستحبی .

۱- شكّ در چیزی که محلّ آن گذشته است .

مسئله ۱۱۵۱: اگر در بین نماز شكّ کند که یکی از کارهای واجب را انجام داده یا نه ، مثلاً شكّ کند که حمد خوانده یا نه ، چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده ، باید آنچه را که در انجام آن شكّ کرده بجا آورد، و اگر مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد شده به شكّ خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۷۱: اگر در حالی که به سجده می رود شكّ کند که رکوع کرده یا نه ، یا شكّ کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه ، به شكّ خود اعتنا نکند .

مسئله ۱۱۷۲: اگر در حال برخاستن شكّ کند که تشهد را به جا آورده یا نه ، باید اعتنا نکند ولی اگر شكّ کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و به جا آورد .

مسئله ۱۱۷۴: اگر شكّ کند که یکی از رکنهای نماز را بجا آورده یا نه ، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده ، باید آن را بجا آورد مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شكّ کند دو سجده را بجا آورده یا نه باید بجا آورد و چنانچه بعد یابد که آن رکن را بجا آورده بوده ، چون رکن زیاد شده نمازش باطل است .

مسئله ۱۱۷۶: اگر شكّ کند که رکنی را بجا آورده یا نه ، چنانچه مشغول تشهد است اگر شكّ کند که دو سجده را بجا آورده یا نه ، باید به شكّ خود اعتنا نکند و اگر یابد که آن رکن را بجا نیاورده ، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده . باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است .

مسئله ۱۱۷۷: اگر شكّ کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده، باید به شكّ خود اعتنا نکند، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است اگر شكّ کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شكّ خود اعتنا نکند، و اگر بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است. بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

مسئله ۱۱۷۸: اگر شكّ کند که سلام نماز را گفته یا نه، یا شكّ کند که درست گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیبات نماز یا نماز دیگر شده. یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می زند، از حال نماز گزار بیرون رفته، باید به شكّ خود اعتنا نکند و اگر پیش از این ها شكّ کند، باید سلام نماز را بگوید. اما اگر در صحیح گفتن سلام شكّ کند در هر صورت باید به شكّ خود اعتنا نماید چه مشغول کار دیگری شده باشد یا نه.

۲- شكّ بعد از نماز

مسئله ۱۱۷۹: اگر بعد از سلام نماز شكّ کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شكّ کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شكّ کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شكّ خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شكّ او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شكّ کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

۳- شكّ بعد از وقت

مسئله ۱۱۸۰: اگر بعد از گذشتن وقت نماز شكّ کند نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت شكّ کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، باید نماز را بخواند بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آنرا به جا آورد.

مسئله ۱۱۸۱: اگر بعد از گذشتن وقت شک کند که نماز را درست خوانده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

۴- کثیر الشک (کسی که زیاد شک می کند)

مسئله ۱۱۸۴: اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، کثیر الشک است و چنانچه زیاد شک کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد، به شک خود اعتنا نکند،

۵- شک امام و مأوم

مسئله ۱۱۹۲: اگر امام جماعت در شماره رکعت های نماز شک کند مثلاً شک کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأوم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت نماز خوانده است و مأوم در شماره رکعت های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

۶- شک در نماز مستحبی

مسئله ۱۱۹۳: اگر در شماره رکعت های نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی کند، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت به هر طرف شک عمل کند نمازش صحیح است.

شکهای صحیح

مسئله ۱۱۹۹: در نه صورت اگر در شماره رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، باید فوراً فکر نماید پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کند، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهائی که گفته می شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است:

اول: آنکه بعد از سر برداشتن از سجده دوم شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد.

دوم: شک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد، ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم یکی از این سه شک برایش پیش آید باید نماز را رها کند و دوباره بخواند.

چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد ولی اگر بعد از سجده اول، یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم، این شک، برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب باید به دستوری که گفته شد عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

پنجم: شک بین سه و چهار، که در هر جای نماز باشد، باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نماز نشسته بجا آورد.

ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده. که باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد.

نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده، که باید بنشیند و تشهد خوانده و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۱۲۰۰: اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است، پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند مثل رو گرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شود نماز دومش صحیح است.

مسئله ۱۲۰۱: اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط بر ای آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط نماز را از سر بگیرد معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند نماز را از سر گرفته، نماز دومش هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شده نماز دومش صحیح است.

مسئله ۱۲۰۴: کسی که نمی داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است باید احتیاط کند و در هر مورد احتیاط، به طور مخصوصی است که در کتابهای مفصل گفته شده است.

مسئله ۱۲۰۷: اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود، یا در رکعتی که تشهد ندارد پیش از ایستادن، شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شکهایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است، برایش پیش آید نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۰۸: اگر موقعی که ایستاده بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کند و یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش بجا نیاورده نمازش باطل است.

نماز احتیاط

مسئله ۱۲۱۵: کسی که نماز احتیاط بر او واجب است بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر گوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است بعد از دو سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

مسئله ۱۲۱۶: نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد، و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آنست که بسم الله آن را هم آهسته بگویند.

سجده سهو

مسئله ۱۲۳۶: برای سه چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد.

اول: آنکه در بین نماز، سهواً حرف بزند.

دوم: آنکه یک سجده را فراموش کند.

سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت و در دو مورد دیگر هم احتیاط واجب آن است که سجده سهو بنماید اول در جایی که نباید نماز را سلام دهد مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد دوم آنکه تشهد را فراموش کند.

مسئله ۱۲۳۷: اگر انسان اشتبهاً یا به خیال اینکه نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو بجا آورد.

مسئله ۱۲۵۱: سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آنرا بجا می آورد، باید تمام شرایط نماز: مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرطهای دیگر را داشته باشد.

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

مسئله ۱۲۶۳: هر گاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم و زیاد کند، اگر چه یک حرف آن باشد، نماز باطل است.

مسئله ۱۲۶۴: اگر به واسطه ندانستن مسأله، چیزی از اجزاء نماز را کم یا زیاد کند اگر آن جزء رکن نباشد نمازش صحیح است اگر جاهل قاصر باشد، والا به احتیاط واجب، نماز باطل است.

مسئله ۱۲۶۵: اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، باید نماز را به هم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند، و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

مسئله ۱۲۷۱: اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله بجا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته بجا آورد یعنی دو رکعت بخواند: شرط اول آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

مسئله ۱۲۷۲: کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند. بنابراین اگر رفتن به سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند.

مساله ۱۲۷۳: اگر رفتن و برگشت هشت فرسخ باشد باید نماز را شکسته بخواند چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب .

مساله ۱۲۸۰: اگر شهرداری دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند ، و اگر دیوار ندارد باید از خانه های آخر شهر حساب نماید. اما در شهرهای بزرگ خارق العاده مانند تهران ابتدای هشت فرسخ را از منزل خود حساب نماید .

شرط دوم آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد ، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود ، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته ، باید نماز را تمام بخواند ، ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط سوم آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، باید نماز را تمام بخواند.

شرط چهارم آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد ، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد ، یا ده روز در محلی بماند ، باید نماز را تمام بخواند.

شرط پنجم آنکه برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند . و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد ، مثل آنکه برای او ضرر داشته باشد ، یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهی پدر و مادر سفری بروند که بر آنان واجب نباشد ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد ، باید نماز را شکسته بخواند .

مساله ۱۲۹۵: سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد .

شرط ششم آنکه از صحرائشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمشان پیدا می کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند، و صحرائشینهها در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

شرط هفتم آنکه شغل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند اینها، اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر این سفر اول باید نماز را تمام بخوانند. ولی در سفر اول اگر چه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

ساله ۱۳۰۷: کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر مثلاً شوهر، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

ساله ۱۳۱۰: کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد، باید در سفری که مشغول به کارش هست نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

ساله ۱۳۱۲: کسی که شغلش مسافرت است اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد، چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.

ساله ۱۳۱۳: کسی که شغلش مسافرت است، اگر در غیر وطن خود ده روز بماند در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، باید نماز را شکسته بخواند. چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد یا نداشته باشد.

شرط هشتم آنکه به حد ترخص برسد یعنی از وطنش به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره ها و

گنبدها را نبیند ، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد ، بلکه همین قدر که دیوار کاملاً تشخیص داده نشود کافی است . و کسی که از جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند به قصد هشت فرسخ خارج شود تا حد ترخیص نرسیده بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند و حد ترخیص در بلاد کبیره مثل تهران محله ای است که منزل شخص در آن محله قرار دارد .

مساله ۱۳۲۹: محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست . چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادر او باشد ، یا خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد .

مساله ۱۳۳۱: تا انسان قصد ماندن همیشگی در جایی که غیر وطن اصلی خودش است نداشته باشد وطن او حساب نمی شود مگر آنکه بدون قصد ماندن ، آنقدر بماند که مردم بگویند اینجا وطن اوست .

مساله ۱۳۳۵: مسافری که قصد دارد ده روز پشت سرهم در محلی بماند ، یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند ، در آن محل باید نماز را تمام بخواند .

مساله ۱۳۳۶: مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند ، لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد ، و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند ، باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند ، باید نماز را تمام بخواند .

مساله ۱۳۳۸: مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند ، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آنجا برود ، چنانچه جایی که می خواهد برود از مقدار ترخیص دورتر نباشد باید در همه ده روز نماز را تمام بخواند و اگر از مقدار ترخیص دورتر باشد ، باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند ولی چنانچه بخواند یک ساعت یا دو ساعت برود و برگردد در همه ده روز باید نماز را تمام بخواند .

مساله ۱۳۴۲: اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند ، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود ، یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای

دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود تا وقتی در آنجا هست، نماز را باید تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۳: مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه اش صحیح است و تا وقتی که در آنجا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزهای بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

مسئله ۱۳۴۷: مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند. اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسئله ۱۳۴۸: مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد و می تواند روزه مستحبی را هم بجا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

مسئله ۱۳۵۳: اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ در رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می شود، باید نماز را تمام بخواند.

نماز قضا

مسئله ۱۳۷۰: کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد.

مسئله ۱۳۷۵: قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود مگر آنکه ترتیب در اداء آنها لازم باشد.

مسئله ۱۳۸۸: نماز قضا را با جماعت می شود خواند ، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضایی صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

نماز جماعت

مسئله ۱۳۹۹: مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشاء خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است .

مسئله ۱۴۰۰: در روایتی وارد شده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز را داد و هر چه بیشتر شوند ، ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند وعده آنان که ازده گذشت، اگر تمامی آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند ، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

مسئله ۱۴۰۱: حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی جائر نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند .

مسئله ۱۴۰۲: مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آنرا طول بدهند بهتر می باشد .

مسئله ۱۴۰۳: وقتی که جماعت بر پا می شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند. و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده . نماز دوم او کافی است .

مسئله ۱۴۰۶: اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، چون اطاعت پدر و مادر واجب است بنابر احتیاط واجب باید نماز را به جماعت بخواند و قصد استحباب نماید.

مسئله ۱۴۱۴: کسی که پشت ستون ایستاده ، اگر از طرف راست یا چپ به واسطهٔ مأموم دیگر به امام متصل نباشد . نمی تواند اقتدا کند بلکه اگر از دو طرف هم متصل باشد ولی از جول اتصال نداشته باشد و هیچکدام از آنها بعض مأومین صف قبل و لو یک نفر را نبیند جماعتش اشکال دارد .

مسئله ۱۴۱۵: جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلند تر باشد اشکال ندارد ، و نیز اگر زمین سرایشب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سرایشبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن، زمین مسطح بگویند مانعی ندارد .

مسئله ۱۴۱۸: بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آمادهٔ نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده ، می تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

مسئله ۱۴۲۳: انسان در بین نماز جماعت می تواند نیت فرادی کند .

مسئله ۱۴۲۷: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد ، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد ، نمازش بطور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می شود . اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش بطور فرادی صحیح می باشد و باید آن را تمام نماید .

مسئله ۱۴۲۸: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه ، نمازش صحیح است و فرادی می شود.

مسئله ۱۴۲۹: اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آنکه به اندازهٔ رکوع خم شود ، امام سر از رکوع بردارد ، می تواند نیت فرادی کند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آنرا رکعت اول نماز خود حساب کند . ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می خواند ، باید نیت فرادی نماید .

مسئله ۱۴۳۱: اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیر الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آنکه دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آنرا رکعت اول نماز خود حساب کند.

مسئله ۱۴۳۳: در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی شود فاصله نباشد و همچنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۳۶: اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، چنانچه به اندازه گشادی بین دو قدم هم فاصله داشته باشند نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۳۷: اگر در نماز، بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است بیشتر از یک قدم بزرگ فاصله پیدا شود نمازش فرادی می شود و صحیح است.

مسئله ۱۴۳۸: اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا همه نیت فرادی نمایند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد نماز صف بعد بطور جماعت صحیح و اگر بیشتر از این مقدار باشد فرادی می شود و صحیح است.

مسئله ۱۴۳۹: اگر در رکعت دوم اقتدا کند، قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانو ها را بلند کند، و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند، و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند، یا

تیت فرادی کند و نمازش صحیح است ، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند .

مسئله ۱۴۴۰: اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد رابه مقدار واجب بخواند و برخیزد ، و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد ، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند .

مسئله ۱۴۴۱: اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأوم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد ، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا کند .

مسئله ۱۴۴۲: اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند ، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد ، باید حمد را تمام کند و در رکوع یا در سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد ، بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۴۴۶: اگر امام ایستاده باشد و مأوم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند ، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۴۴۷: اگر به خیال اینکه امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد ، باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد ، فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

احکام جماعت

مسئله ۱۴۶۱: مأوم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند ، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند .

مسئله ۱۴۶۲: اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود ، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد ، باید حمد و سوره را نخواند اگر صدای امام را نشنود ، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکالی ندارد .

مسئله ۱۴۶۳: اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود ، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند .

مسئله ۱۴۶۴: اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند ، یا خیال کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده ، نمازش صحیح است .

مسئله ۱۴۶۸: اگر مأموم پیش از امام عمداً هم سلام دهد نمازش صحیح است .

مسئله ۱۴۷۰: مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود ، کارهای دیگر آن ، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد ، و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد ، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است اما اگر در حال قرائت امام به رکوع رود نمازش باطل می شود و اما اگر در دو رکن پشت سر هم از امام جلو یا عقب بیفتد بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند اگر چه بعید نیست نمازش صحیح باشد و فرادی شود .

مسئله ۱۴۷۱: اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد ، چنانچه امام در رکوع باشد ، باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی کند . ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آنکه به رکوع برسد ، امام سر بردارد نمازش باطل است .

مسئله ۱۴۷۳: اگر اشتهاً سر بردارد و بیند امام در سجده است باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی شود .

مسئله ۱۴۷۳: کسی که اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هر گاه به سجده بر گردد، و هنوز به سجده نرسیده امام سر بر دارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

مسئله ۱۴۷۴: اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال اینکه به امام نمی رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۷۵: اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، باید بنا بر احتیاط نماز را تمام کند و از سر بخواند، و اگر به خیال این که سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده، احتیاط آن است که نماز را فرادی تمام نماید اگر چه می تواند متابعت امام را بکند و به سجده رود و نماز را تمام کند.

مسئله ۱۴۷۶: اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بر دارد به مقداری از قرائت امام می رسد، چنانچه سر بر دارد و با امام به رکوع رود نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۷۷: اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی رسد، احتیاط واجب آن است که سر بر دارد و با امام نماز را تمام کند و نمازش صحیح است و اگر سر بر ندارد تا امام برسد نمازش صحیح است.

نماز آیات

مسئله ۱۴۹۱: نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد به واسطه چهار چیز واجب می شود:

اول گرفتن خورشید، دوم گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد. سوم زلزله اگر چه کسی هم نترسد. چهارم رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند این ها در صورتی که بیشتر مردم بترسند، و نیز بر احتیاط واجب در

حوادث وحشتناک زمینی مانند شکافتن و فرو رفتن زمین در صورتی که بیشتر مردم بترسند باید نماز آیات بخوانند .

مسئله ۱۴۹۲: اگر از چیزهایی که نماز آیات واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد ، انسان باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند ، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود ، باید دو نماز آیات بخواند .

مسئله ۱۴۹۴: چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است ، در هر شهری اتفاق بیفتد ، افراد همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست ، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود ، نماز آیات بر آنها هم واجب است .

مسئله ۱۴۹۵: از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند انسان باید نماز آیات بخواند و بنا بر احتیاط واجب ، باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند .

مسئله ۱۴۹۶: اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند ، بنا بر احتیاط واجب باید نیت ادا و قضا نکند ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن ، نماز بخواند باید نیت قضا نماید .

مسئله ۱۴۹۷: اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه بیشتر از خواندن یک رکعت باشد ولی انسان نماز را نخواند ، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد باید نیت ادا کند بلکه اگر مدت گرفتن آنها به اندازه خواندن یک رکعت هم باشد بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و ادا است .

مسئله ۱۴۹۸: موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد ، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده است و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است .

مسئله ۱۴۹۹: اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند. ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

مسئله ۱۵۰۱: اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده عملی وقت گرفتن خورشید و ماه را می دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، بنا بر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می گیرد و فلان مقدار طول می کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، بنا بر احتیاط واجب باید به حرف آنان عمل نماید، مثلاً اگر بگویند آفتاب فلان ساعت شروع به باز شدن می کند احتیاطاً باید نماز را تا آن وقت تأخیر نیندازد.

دستور نماز آیات

مسئله ۱۵۰۲: نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از تیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بر دارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را مثل رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام بدهد.

نماز عید فطر و قربان

مسئله ۱۵۱۶: نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غائب است، مستحب می باشد و می توانند آن را به قصد رجاء به جماعت بخوانند.

مسئله ۱۵۱۷: وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.

مسئله ۱۵۱۹: نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود و دو سجده به جا آورد و برخیزد و

در رکعت دوم ، چهار تکبیر بگویند و بعد از هر تکبیر قنوت بخوانند و تکبیر پنجم را بگویند و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد .

احکام روزه

نیت

مسئله ۱۵۵۰: لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم ، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خدا عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد کافی است ، و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده ، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از اذان مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

مسئله ۱۵۵۱: انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند ، و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید .

مسئله ۱۵۵۲: نیت روزه ماه رمضان وقت معین ندارد تا اذان صبح هر وقت نیت روزه فردا را بکند اشکال ندارد .

مسئله ۱۵۵۴: کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است ، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند ، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد چه مستحب ، و اگر بعد از ظهر بیدار شود ، نمی تواند نیت روزه واجب نماید .

مسئله ۱۵۶۷: اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند، و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

مسئله ۱۵۶۸: روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی تواند نیت روزه رمضان کند ولی اگر نیت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می شود.

مسئله ۱۵۶۹: اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

چیزهایی که روزه را باطل می کند

مسئله ۱۵۷۲: نه چیز روزه را باطل می کند. اول خوردن و آشامیدن، دوم جماع، سوم استمناء، چهارم دروغ بستن بر خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر ﷺ، پنجم رساندن غبار غلیظ به حلق، ششم فرو بردن تمام سر در آب، هفتم باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح، هشتم اماله کردن یا چیزهای روان، نهم قی کردن، و احکام اینها در مسائل آینده گفته می شود.

خوردن و آشامیدن

مسئله ۱۵۷۳: اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب چه معمول نباشد مثل خاک و شیرۀ درخت، و چه کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورده و دوباره به دهان برد و رطوبت آن را فرو برد روزه او باطل می شود مگر آن که رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.

مساله ۱۵۷۴: اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد که صبح شده است، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرو برد روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می شود.

مساله ۱۵۷۵: اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

مساله ۱۵۷۶: احتیاط واجب آن است که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای غذا بکار می رود خودداری کند، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند یا به جای دوا استعمال می شود اشکال ندارد.

مساله ۱۵۷۷: اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو برد، روزه اش باطل می شود.

مساله ۱۵۷۸: کسی که می خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان هایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود، روزه اش باطل می شود بلکه اگر فرو هم نرود بنا بر احتیاط واجب باید قضای روزه را بگیرد.

مساله ۱۵۸۰: فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر وارد فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر

مساله ۱۵۹۶: اگر روزه دار به گفتن یا نوشتن یا به اشاره و مانند اینها به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا سلام الله علیها و سایر پیغمبران و جانشینان آنان نیز در این حکم فرقی ندارد.

رساندن غبار غلیظ به حلق

مسئله ۱۶۰۳: رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند ، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد ، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام است .

فرو بردن سر در آب

مسئله ۱۶۰۸: اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد ، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد ، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد ، ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد ، روزه باطل نمی شود .

مسئله ۱۶۳۰: اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود ، باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد و کفاره بر او واجب می شود.

قی کردن

مسئله ۱۶۴۶: هر گاه روزه دار عمداً قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه اش باطل می شود ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد .

مسئله ۱۶۴۸: اگر روزه دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد ، باید خودداری کند .

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند

مسئله ۱۶۵۳: اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد روزه او باطل می شود، چه عالم باشد و چه جاهل حتی بنا بر احتیاط واجب در مورد جاهل قاصر و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسئله ۱۶۳۰: گفته شد تا اذان صبح غسل نکند روزه او باطل است.

کفّاره روزه

مسئله ۱۶۶۰: کسی که کفّاره روزه ماه رمضان بر او واجب است، باید به دستوری که در مسئله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند این ها بدهد، و چنان چه برایش ممکن نباشد، هر چه مد که می تواند به فقرا طعام بدهد و اگر نتواند طعام بدهد باید استغفار کند، اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید استغفر الله و احتیاط واجب آن است که هر وقت که بتواند، کفاره را بدهد.

مسئله ۱۶۶۱: کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکالی ندارد.

مسئله ۱۶۶۶: اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر ﷺ نسبت دهد، کفّاره جمع بنا بر احتیاط بر او واجب می شود. (کفّاره جمع یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام آنها یک مد طعام که تقریباً ده سیر است گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد هر کدام آنها که ممکن است باید انجام دهد).

مسئله ۱۶۷۰: اگر روزه دار کاری که حلال است و روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلاً آبی بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می کند انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند کافی است.

مسئله ۱۶۷۱: اگر روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد، روزه اش باطل است، و باید قضای آن را بگیرد و کفّاره هم بر او واجب می

شود ، واگر خوردن آن چیز حرام باشد ، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده ، به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد ، باید قضای آن روزه را بگیرد و بنا بر احتیاط کفاره جمع هم بر او واجب می شود .

مساله ۱۶۸۷: کسی که قضای روزه رمضان را گرفته ، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد ، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد و اگر نمی تواند بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد .

جاهائیکه فقط قضای روزه واجب است

مساله ۱۶۸۸: در چند صورت فقط قضای روزه واجب است و کفاره واجب نیست: اوّل آن که روزه دار در ماه رمضان عمداً قی کند ، دوم آن که در شب ماه رمضان عمداً جنب باشد و تا اذان صبح از خواب سوم بیدار نشود ، سوم عملی که روزه را باطل می کند به جا نیامورد ولی نیت روزه نکند یا ریا کند یا قصد کند که روزه نباشد ، چهارم آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و باحال جنابت یک یا چند روز را روزه بگیرد ، پنجم آن که در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه ، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد ، بعد معلوم شود صبح بوده ، و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده ، کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده ، قضای آن روز بر او واجب است ، ولی اگر بعد از تحقیق گمان یا یقین کند که صبح نشده و چیزی بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده قضا واجب نیست بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد ،

بعد معلوم شود که صبح بوده ، قضا واجب نیست ، ششم آن که کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد ، و بعد معلوم شود که صبح بوده ، هفتم آن که کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می کند و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد ، بعد معلوم شود که صبح بوده است ، هشتم آن که کور و مانند آن به گفته کس دیگر افطار کند و بعد معلوم

شود که مغرب نبوده، نهم آن که در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند بعد معلوم شود که مغرب نبوده است، ولی اگر در هوای ابری به گمان این که مغرب شده افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده قضا لازم نیست، دهم آن که برای خنک شدن یا بی جهت مضمضه کند یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد یا برای وضو مضمضه کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

احکام روزه قضا

ساله ۱۷۰۳: اگر بواسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد قضای روزه هائی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطه عذری دیگری مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هائی را که نگرفته باید قضا کند و احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

ساله ۱۷۰۴: اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او بر طرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد باید روزه هائی را که نگرفته قضا نماید و نیز اگر در ماه رمضان غیر مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر بر طرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد روزه هائی را که نگرفته باید قضا کند.

ساله ۱۷۰۵: اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او بر طرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهد.

ساله ۱۷۱۰: اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد، باید قضای آن را بجا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد، یا یک بنده آزاد کند، و چنانچه

تا رمضان آینده قضای آن روزه را بجا نیاورد برای هر روز نیز دادن یک مد طعام لازم است .

احکام روزه مسافر

ساله ۱۷۱۴: مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می خواند مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او معصیت است ، باید در سفر روزه بگیرد .

ساله ۱۷۱۷: اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آنرا معین نکند ، نمی تواند آن را در سفر بجا آورد . ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد باید آن را در سفر بجا آورد . و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد ، روزه بگیرد باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

ساله ۱۷۲۱: اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید ، باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند ، وقتی به حد ترخص برسد یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود ، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند بنا بر احتیاط کفاره نیز بر او واجب است .

ساله ۱۷۲۲: اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد، و در شهرهای بزرگ خارق العاده مانند تهران به منزلش برسد یا بجایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند چنانکه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده ، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده، روزه آن روز بر او واجب نیست .

روزه های حرام و مکروه

مسئله ۱۷۳۹: روزه عید فطر و قربان حرام است، و نیز روزی را که انسان نمی داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد حرام است.

مسئله ۱۷۴۳: کسی که می داند روزه برای او ضرر ندارد، اگر چه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد اگر چه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آنکه به قصد قربت بگیرد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

مسئله ۱۷۴۴: اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست مگر آنکه به قصد قربت گرفته باشد و بعد معلوم شود ضرر نداشته.

مسئله ۱۷۴۵: کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، باید قضای آن را بجا آورد.

احکام خمس

مسئله ۱۷۵۱: در هفت چیز خمس واجب می شود: اول منفعت کسب. دوم معدن. سوم گنج. چهارم مال حلال مخلوط به حرام. پنجم جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید، ششم غنیمت جنگ. هفتم زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

۱- منفعت مال

مسئله ۱۷۵۲: هر گاه انسان از تجارت یا صنعت، یا کسبه‌های دیگر مالی بدست آورد، اگر چه مثلاً نماز و روزه می‌تی را بجا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس یعنی پنج یک آنرا به دستوری که بعداً گفته می شود بدهد.

ساله ۱۷۵۳: اگر از غیر کسب مالی بدست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند واجب نیست خمس آن را بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آنرا هم بدهد.

ساله ۱۷۵۷: کسی که دیگری مخارج او را می دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می آورد بدهد. ولی اگر مقداری از آن را خرج زیارت و مانند آن کرده باشد فقط باید خمس باقی مانده را بدهد.

ساله ۱۷۶۶: انسان می تواند در بین سال هر وقت منفعتی بدستش آید خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد.

ساله ۱۷۷۵: آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوارک و پوشاک و اثاثیه و خرید لوازم منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها می رساند، در صورتیکه از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

ساله ۱۷۷۶: مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می رساند، جزء مخارج سالیانه است، و نیز مالی را که به کسی می بخشد یا جایزه می دهد در صورتیکه از شأن او زیاده نباشد، از مخارج سالیانه حساب می شود.

ساله ۱۷۸۰: اگر از منفعت کسب آذوقه ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. و چنانچه بخواهد قیمت آنرا بدهد در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد باید قیمت آخرسال را حساب کند.

ساله ۱۷۸۶: اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

ساله ۱۷۸۷: اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند می تواند از منافع سالهای بعد قرض خود را ادا نماید.

مسئله ۱۷۸۸: اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند نمی تواند از منافع کسب آن قرض را بدهد ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد. می تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

مسئله ۱۷۹۰: تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف کند اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد.

۲- معدن

مسئله ۱۷۹۸: اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر چیزی بدست آورد در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

۳- گنج

مسئله ۱۸۰۶: گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن، گنج گویند.

مسئله ۱۸۰۷: اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود او است و باید خمس آن را بدهد.

۴- مال حلال مخلوط به حرام

مسئله ۱۸۱۳: اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می شود.

۵- جواهری که به واسطه فرورفتن در دریا بدست می آید

مساله ۱۸۱۹: اگر بواسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری که با فرو رفتن در دریا بیرون می آید بیرون آورند ، روئیدنی باشد ، یا معدنی ، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده اند ، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد ، باید خمس آن را بدهند ، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه ، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس ، ولی اگر چند نفر آن را بیرون آورده باشند هر کدام آنان که قیمت سهمش به ۱۸ نخود طلا برسد فقط او باید خمس بدهد.

۶- غنیمت

مساله ۱۸۲۸: اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ بدست آورند . به آنها غنیمت گفته می شود و مخارجی را که برای غنیمت کرده اند ، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است ، باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند .

۷-زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مساله ۱۸۲۹: اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد ، باید خمس آن را از همان زمین بدهد. و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد ، چنانچه زمین آن را جداگانه قیمت کنند و بفروشند باید خمس زمین را بدهد . و اگر خانه و دکان را روی هم بفروشند و زمین به تبع آن منتقل شود خمس زمین واجب نیست .

مصرف خمس

مساله ۱۸۳۴: خمس را باید دو قسمت کنند : یک قسمت آن سهم سادات است ، بنابراین احتیاط واجب باید با اذن مجتهد جامع الشرائط به سید فقیر ، یا سید یتیم ، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام علیه السلام است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند . ولی اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کنند بدهد ، در صورتی به او

اذن داده می شود که بدانند آن مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می کند ، سهم امام را به یک طور مصرف می کنند.

احکام زکات

مساله ۱۸۵۳: زکات نه چیز واجب است : اول گندم . دوم جو . سوم خرما . چهارم کشمش . پنجم طلا . ششم نقره . هفتم شتر . هشتم گاو . نهم گوسفند .

مساله ۱۸۵۵: زکات در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب برسد و مالک آن ، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در مال تصرف کند .

مساله ۱۸۹۸: کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است . اگر چه زکات آن را داده باشد ، تا وقتی از نصاب اول کم نشده ، همه ساله باید زکات آن را بدهد .

مساله ۱۸۹۹: زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آنرا سگه زده باشند و معامله با آن رواج باشد و اگر سگه آن از بین هم رفته باشد باید زکات آن را بدهند .

زکات فطره

مساله ۱۹۹۱: کسی که موقع غروب یعنی قبل از غروب شب عید فطر گرچه به چند لحظه باشد بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست ، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند ، هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را بدهد کافی است .

مساله ۱۹۹۳: انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می شوند بدهد ، کوچک باشند یا بزرگ ، مسلمان باشند یا کافر ، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه ، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر .

مساله ۱۹۹۵: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و نان خور او حساب می شود بر او واجب است .

ساله ۱۹۹۶: فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می شود در صورتیکه نان خور او حساب شود واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده است که خرجی او را بدهد.

مصرف زکات فطره

ساله ۲۰۱۴: اگر زکات فطره را به یکی از هشت مصرفی که برای زکات مال است برسانند کافی است. ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرا شیعیه بدهند.

احکام حجّ

ساله ۲۰۳۶: حجّ: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده اند در آنجا بجا آورده شود و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می شود. اول آنکه بالغ باشد. دوم آنکه عاقل و آزاد باشد. سوم به واسطه رفتن به حجّ مجبور نشود که کار حرامی را که اهمّیتش در شرع از حجّ بیشتر است انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حجّ مهمّ تر است ترک نماید. چهارم آنکه مستطیع باشد، و مستطیع بودن به چند چیز است: اول آنکه توشه راه و چیزهایی را که بر حسب حالش در سفر به آن محتاج است و در کتابهای مفصل گفته شده دارا باشد، و نیز مرکب سواری یا مالی که بتواند آنرا تهیه کند داشته باشد. دوم سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مگه رود و حجّ را بجا آورد. سوم در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حجّ بر او واجب نیست ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگر چه دورتر باشد در صورتی که مشقّت زیاد نداشته باشد و خیلی غیر متعارف نباشد، باید از آن راه برود. چهارم به قدر بجا آوردن اعمال حجّ وقت داشته باشد. پنجم مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می دانند داشته باشد. ششم بعد از برگشتن کسب، یا زراعت، یا عایدی ملک، یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

احکام خرید و فروش

معاملات باطل

مسئله ۲۰۵۵: در چند مورد معامله باطل است: اول خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط و مسکرات، بنا بر اقوی و در بعضی دیگر بنا بر احتیاط واجب و خرید و فروش خون برای معالجه بیماران جایز است. دوم خرید و فروش مال غصبی مگر آنکه صاحبش معامله را اجازه دهد. سوم خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. چهارم معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد. مثل آلات قمار و موسیقی، پنجم معامله ای که در آن ربا باشد. و حرام است غش در معامله یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید. مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است و این عمل را غش می گویند، از پیغمبر اکرم ﷺ منقول است که فرمود: از مانیت کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خوش واکذار می کند.

مسئله ۲۰۷۲: اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند به زیادتر از همان جنس بفروشند، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشند، ربا و حرام است و گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند، بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و دیگری بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند. چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد، باز هم ربا و حرام است، پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن مس شکسته را بگیرد یا برنج صدری را بدهد و بیشتر از آن برنج گرده بگیرد یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد ربا و حرام می باشد.

مسئله ۲۰۷۳: اگر چیزی را که اضافه می گیرد غیر از جنسی باشد که می فروشند، مثلاً یک من گندم به یک من گندم و یک قران پول بفروشند باز هم ربا و حرام است بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام می باشد.

مسئله ۲۰۷۷: اگر چیزی را که می فروشد و عوضی را که می گیرد از یک جنس نباشد زیادی گرفتن اشکال ندارد ، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است .

احکام قرض

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است ، از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند ، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد ، بهشت بر او حرام می شود.

مسئله ۲۲۷۵: اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند ، طلبکار پیش از تمام شدن آن مدّت نمی تواند طلب خود را مطالبه نماید ولی اگر مدّت نداشته باشد ، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را مطالبه نماید .

مسئله ۲۲۷۶: اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند ، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد ، باید فوراً آنرا بپردازد و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است .

مسئله ۲۲۷۷: اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آن احتیاج دارد ، چیزی نداشته باشد طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید ، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد .

مسئله ۲۲۷۹: کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد ، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند ، باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد، و شرط نیست در فقیر که سید باشد .

مسئله ۲۲۸۳: اگر کسی که قرض می دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می دهد بگیرد ، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد، ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری

برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس بدهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس بدهد، ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد بطور مخصوص پس دهد، مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام می باشد. ولی اگر بدون اینکه شرط کند، خود بدهکار زیادتز از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

احکام نگاه کردن

مسئله ۲۴۳۳: نگاه کردن مرد به بدن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است. و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکند، و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد به جز صورت و دستها حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

مسئله ۲۴۳۴: اگر انسان بدون قصد لذت به آن قسمت از بدن زنهای کافر که معمولاً نمی پوشانند نگاه کند در صورتی که نترسد به حرام بیفتد اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۳۵: زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری که هنوز بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.

مسئله ۲۴۳۸: مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

مسئله ۲۴۴۱: اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند.

احکام مالی که انسان پیدا می کند

مسئله ۲۵۶۴: مالی که انسان پیدا می کند اگر نشانه ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم شود، احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

مسئله ۲۵۶۵: اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قسمت آن از ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمی تواند بدون اجازه او بردارد، و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می توان به قصد اینکه ملک خودش شود بردارد و در این صورت اگر تلف شود نباید عوض آن را بدهد، بلکه اگر قصد ملک شدن هم نکرده و بدون تقصیر او تلف شود، دادن عوض بر او واجب نیست.

مسئله ۲۵۶۶: هرگاه چیزی که پیدا کرده نشانه ای دارد که به واسطه آن می تواند صاحبش را پیدا کند، اگر چه بداند صاحب آن کافر است که در امان مسلمانان است، در صورتی که قیمت آن چیز به ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار برسد باید اعلان کند، و چنانچه از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته هر روز و بعد تا یک سال هفته ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند کفایت.

مسئله ۲۵۶۸: اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود اگر در محدوده حرم پیدا کرده می تواند آن را صدقه بدهد و اگر صاحبش پیدا نشد ضامن او خواهد بود و یا آن را حفظ کند تا صاحبش پیدا شود اما اگر در غیر حرم پیدا کرده می تواند آن را برای خود بردارد به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد، یا برای او نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.

کتاب امر به معروف و نهی از منکر

مسئله ۲۷۸۶: امر به معروف و نهی از منکر با شرایطی که ذکر خواهد شد، واجب است و ترک آن معصیت است، و در مستحبات و مکروهات امر و نهی مستحب است.

مسئله ۲۷۸۷: امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی می باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن می کنند از دیگران ساقط است ، و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند .

مسئله ۲۷۸۸: اگر بعضی امر و نهی کنند و مؤثر نشود و بعض دیگر احتمال بدهند که امر یا نهی آنان مؤثر است واجب است امر و نهی کنند .

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

مسئله ۲۷۹۱: چند چیز شرط است در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر: اول آن که کسی که می خواهد امر و نهی کند ، بداند آنچه شخص مکلف بجا نمی آورد واجب است به جا آورد ، و آن چه به جا می آورد باید ترک کند . و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست .

دوم: آنکه احتمال بدهد امر و نهی او تأثیر می کند. پس اگر بداند اثر نمی کند واجب نیست.

سوم: آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمیکند واجب نیست. چهارم آنکه در امر و نهی مفسده ای نباشد، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر و نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست ، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر مومنین، واجب نمی شود . بلکه در بسیاری موارد حرام است.

مسئله ۲۷۹۲: اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام به آن اهمّیت زیاد می دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقائد مسلمانان یا احکام ضروریه، باید ملاحظه اهمّیت شود ، و مجرد ضرر، موجب واجب

نبودن نمی شود، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقائد مسلمانان یا حفظ احکام ضروریة اسلام بر بذل جان و مال، واجب است بذل آن.

ساله ۲۷۹۳: اگر بدعتی در اسلام واقع شود مثل منکراتی که دولتهای جائر انجام می دهند به اسم دین مبین اسلام، واجب است خصوصاً بر علماء اسلام اظهار حق و انکار باطل، و اگر سکوت علماء اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علماء اسلام شود واجب است اظهار حق بهر نحوی که ممکن است اگر چه بدانند تأثیر نمی کند.

ساله ۲۷۹۵: اگر سکوت علماء اعلام موجب تقویت ظالم شود یا موجب تأیید او گردد یا موجب جرأت او شود بر سایر محرّمات، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه تأثیر فعلی نداشته باشد.

ساله ۲۷۹۶: اگر سکوت علماء اعلام باعث شود که مردم به آنها بدگمان شوند و آنها را متهم کنند به سازش با دستگاه ظلم، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه بدانند جلوگیری از محرم نمی شود و اظهار آنها اثری برای رفع ظلم ندارد.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

ساله ۲۸۰۴: برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است، و جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پائین، به مراتب دیگر عمل شود.

ساله ۲۸۰۵: مرتبه اول آن که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت، این نحو عمل با او شده است، مثل اینکه از او رو برگرداند، یا با چهره عبوسی با او ملاقات کند، یا ترک مرادده با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او ترک معصیت کند.

ساله ۲۸۰۶: اگر در این مرتبه در جاتی باشد لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیف تر، به همان اکتفا کند، مثلاً اگر احتمال می دهد که با تکلم با او، مقصود

حاصل می شود ، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر ، عمل نکند ، خصوصاً اگر طرف شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می شود.

مسئله ۲۸۰۷: اگر اعراض نمودن و ترک معاشرت با معصیت کار موجب تخفیف معصیت می شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می شود، واجب است اگر چه بداند موجب ترک به کلی نمی شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت جلوگیری کند.

مسئله ۲۸۱۳: مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر ، امر و نهی به زبان است ، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط گذشته ، واجب است اهل معصیت را نهی کنند ، و تارک واجب را امر کنند به آوردن واجب .

مسئله ۲۸۱۵: اگر می داند که نصیحت تأثیر ندارد، واجب است با احتمال تأثیر امر و نهی الزامی کند ، و اگر تأثیر نمی کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت ، لازمست لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود.

مسئله ۲۸۱۶: جایز نیست برای جلوگیری از معصیت ، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت ، مگر آنکه معصیت ، از چیزهایی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه ، مثل قتل نفس محترمه ، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو ممکن است .

مسئله ۲۸۱۷: اگر عاصی ترک معصیت نمی کند مگر به جمع مابین مرتبه اولی و ثانیه از انکار ، واجب است جمع به اینکه هم از او اعراض کند ، و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند ، و هم او را امر به معروف کند لفظاً و نهی کند لفظاً.

مسئله ۲۸۱۸: مرتبه سوم توسل بزور و جبر است ، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی کند یا واجب را بجا نمی آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند .

مسئله ۲۸۲۰: اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد براینکه دست معصیت کار را بگیرد و یا او را از محلّ معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می کند تصرف کند، جایز است، بلکه واجب است عمل کند.

مسئله ۲۸۲۲: اگر جلوگیری از معصیت توقّف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت کار، در محلّی یا منع نمودن از آنکه به محلّی وارد شود. واجب است، با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن.

مسئله ۲۸۲۳: اگر توقّف داشته باشد جلوگیری از معصیت، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت کار، و در مضیقه قراردادن او جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده روی نشود، و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع الشرایط گرفته شود.

مسئله ۲۸۲۴: اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل، جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع الشرایط با حصول شرایط آن.

مسئله ۲۸۲۵: اگر منکر از اموری است که شارع اقدس به آن اهتمام می دهد و راضی نیست به وقوع آن به هیچ وجه، جایز است دفع آن به هر نحو ممکن باشد، مثلاً اگر کسی خواست یک شخص را که جایز القتل نیست بکشد از او جلوگیری کرد، و اگر ممکن نیست دفاع از قتل مظلوم مگر به قتل ظالم، جائز است بلکه واجب است، و لازم نیست از مجتهد اذن حاصل نماید. لکن باید مراعات شود که در صورت امکان جلوگیری به نحو دیگری که به قتل منجر نشود به آن نحو عمل کند، و اگر از حدّ لازم تجاوز کند معصیت کار و احکام متعدّی بر او جاری خواهد بود.

مسائل دفاع

مسئله ۲۸۲۶: اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد: از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

مسئله ۲۸۲۷: اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلاء بر بلاد مسلمین را کشیده اند چه بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند به هر وسیله ای که امکان داشته باشد .

مسئله ۲۸۲۸: اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه هائی از طرف اجانب کشده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند ، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله ای که ممکن است ، نقشه آنها را به هم زنند و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند .

مسئله ۲۸۲۹: اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند ، واجب است بر مسلمانان ، دفاع به هر نحو که ممکن است ، و قطع ایادی اجانب ، چه عمال داخلی باشند یا خارجی .

مسئله ۲۸۳۱: اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود ، واجب است قطع این گونه روابط و حرام است این نحو تجارت .

مسئله ۲۸۳۲: اگر عقد رابطه چه سیاسی و چه تجاری بین یکی از دول اسلامی و اجانب مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد ، جایز نیست این گونه رابطه ، و اگر دولتی اقدام به آن نمود ، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را الزام کنند به قطع رابطه به هر نحو ممکن است .

مسئله ۲۸۳۴: روابط تجاری و سیاسی با بعض دول که آلت دست دول بزرگ جائر هستند از قبیل دولت اسرائیل ، جایز نیست ، و بر مسلمانان لازم است بهر نحو ممکن است با این نحو روابط مخالفت کند ، و بازرگانانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند ، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام هستند ، و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران چه دولتها و چه تجار قطع رابطه کنند ، و آنها را ملزم کنند به توبه و ترک روابط با این نحو دولتها .

مسائل متفرقه اضافه شده به کتاب احکام چهارمین دوره

مسابقات سراسری قرآن و عترت

غسلهای واجب

غسلهای واجب هفت است: اول غسل جنابت. دوم غسل حیض. سوم غسل نفاس. چهارم غسل استحاضه. پنجم غسل مسّ میت. ششم غسل میت. هفتم غسلی که بواسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می شود.

احکام جنابت

مسئله ۳۴۵: به دو چیز انسان جنب می شود: اول جماع. دوم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار.

مسئله ۳۴۶: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد، و اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.

چیزهایی که بر جنب حرام است:

مسئله ۳۵۵: پنج چیز بر جنب حرام است: اول رساندن جایی از بدن به خطّ قرآن یا به اسم خدا و همچنین بنا بر احتیاط واجب اسم پیغمبران و امامان علیهم السلام به طوری که در وضو گفته شد. دوم رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله اگر چه از یک در داخل

و از در دیگر خارج شود، سوم توقف در مساجد دیگر ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند. چهارم گذاشتن چیزی در مسجد. پنجم خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است اول سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل) دوم سوره چهل و یکم (حم سجده). سوم سوره پنجاه و سوم (والنجم). چهارم سوره نودوششم (اقراء) و اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره هم بخواند حرام است.

غسل جنابت

مسئله ۳۵۷: غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

مسئله ۳۵۸: لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب میکنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است.

مسئله ۳۶۰: غسل را چه واجب باشد و چه مستحب به دو قسم می شود انجام داد ترتیبی و ارتماسی:

غسل ترتیبی

مسئله ۳۶۱: در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست بعد طرف چپ بدن را بشوید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.

مسئله ۳۶۴: اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است باید دوباره غسل کند .

غسل ارتماسی

مسئله ۳۶۷: در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب فرو رود غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود .

احکام غسل کردن

مسئله ۳۷۲: در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست . و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است .

مسئله ۳۷۷: چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است ، باید برطرف کند و اگر پیش از آنکه یقین کند برطرف شده غسل نماید، غسل او باطل است .

مسئله ۳۷۹: در غسل باید موهای کوتاهی را که جز بدن حساب می شود بشوید و بنابر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می باشد .

مسئله ۳۸۶: اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند ، غسل او باطل نمی شود ولی بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد .

مسئله ۳۸۸: کسی که جنب شده اگر شك کند غسل کرده یا نه ، نمازهایی را که خوانده صحیح است ، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند .

مسئله ۳۹۱: کسی که غسل جنابت کرده نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسلهای دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

احکام روزه

مسئله ۱۵۸۴: جماع روزه را باطل می کند، اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

مسئله ۱۵۸۸: اگر روزه دارا استمناء کند یعنی با خودکاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل است.

مسئله ۱۶۱۹: اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه اش باطل است.

مسئله ۱۶۲۰: اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی از روی عمد نباشد مثل آنکه دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۲۱: کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است ولی معصیت کار است.

مسئله ۱۶۲۲: اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید مثلاً اگر نمی داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

مسئله ۱۶۲۳: کسی که در شب ماه رمضان برای هیچکدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جنب کند، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود. ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، با تیمم روزه او صحیح است ولی گناهکار است.

مسئله ۱۶۲۵: کسی که در شب ماه رمضان جنب است و میدانند اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود. نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره اش بر او واجب می شود.

مسئله ۱۶۲۷: کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می دهد اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۳۰: اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند و همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد، کفاره بر او واجب نمی شود.

مسئله ۱۶۳۶: اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان و قضای آن تا اذان صبح جنب بماند گر چه از روی عمد باشد، روزه اش صحیح است چه وقت آن معین باشد و چه نباشد.

مسئله ۱۷۴۱: روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود جائز نیست بلکه اگر اسباب اذیت آنان نشود ولی او را از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کنند احتیاط واجب آن است که روزه نگیرد.

مسئله ۱۷۴۲: اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد، و در بین روز پدر او را نهی کند، باید افطار نماید.

احکام نگاه کردن

مسئله ۲۴۳۶: نگاه کردن به عورت دیگری حرام است ، اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا در آب صاف و مانند اینها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند . ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند .

مسائل متفرقه زناشویی

مسئله ۲۴۴۵: اگر مرد وزن نامحرمی در محلّ خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی تواند وارد شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند .

مسئله ۲۴۴۷: مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود ، یا حکم ضروری دین یعنی حکمی که مسلمانان جزء دین اسلام می دانند مثل واجب بودن نماز و روزه را انکار کند ، در صورتی که منکر شدن آن حکم ، به انکار خدا یا پیغمبر برگردد مرتد است .

مسئله ۲۴۵۱: اگر زن در هنگام عقد با مرد شرط کند او را از شهر بیرون نبرد و مرد هم قبول کند ، نباید زن را از شهر بیرون ببرد .

مسئله ۲۴۶۰: اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد ، احتیاط واجب آن است که زن مهر را نگیرد و شوهر هم با زن دیگر ازدواج نکند .

مسائل ویژه خواهران

غسلهای واجب

استحاضه

مسئله ۳۹۴: در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و بنابر احتیاط واجب پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد .

مسئله ۳۹۵: در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گفته شد انجام دهد و این در صورتی است که استحاضه متوسطه پیش از نماز صبح یا در بین آن پیدا شود ولی اگر بعد از نماز صبح تا پیش از نماز ظهر یا بین آن حاصل شود باید برای نماز ظهر غسل کند و به همین طور پیش از هر نماز یا بین هر نمازی که استحاضه متوسطه شد باید برای آن غسل کند و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نماید چه آنکه خون بیاید یا قطع شده باشد.

مسئله ۳۹۶: در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسأله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا بجا آورد، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.

مسئله ۳۹۷: اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز هم بیاید اگر چه زن برای آن خون، وضو و غسل را انجام داده باشد بنا بر احتیاط واجب، باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد.

مسئله ۳۹۸: مستحاضه متوسطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند هر کدام را اوّل بجا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اوّل وضو بگیرد.

مسئله ۳۹۹: اگر استحاضه قلیله زن بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند، و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله ۴۰۰: اگر استحاضه قلیله با متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری بجا آورد و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله ۴۰۱: مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن به وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح دوباره غسل و وضو را بجا آورد.

مسئله ۴۰۲: زن مستحاضه برای هر نمازی چه واجب و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسئله ۴۰۳: زن مستحاضه بعد از آنکه خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

مسئله ۴۰۴: اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واریسی نماید.

مسئله ۴۰۵: زن مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را واریسی کند مشغول نیاز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده نماز او باطل است.

مسئله ۴۰۶: زن مستحاضه اگر نتواند خود را واری نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند مثلاً اگر نمی داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد و اگر نمی داند متوسطه است یا کثیره باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

مسئله ۴۰۷: اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی شود و اگر بیرون بیاید هر چند کم باشد وضو و غسل را به تفضیلی که گذشت باطل می کند.

مسئله ۴۰۸: زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واری کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسئله ۴۰۹: زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و تا بعد از نماز هم خون در داخل فرج نبست و بیرون نمی آید، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

مسئله ۴۱۰: اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می شود، یا به اندازه خواندن نماز خون بندمیاید باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

مسئله ۴۱۱: اگر بعد از نماز و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را بجا آورد، به کلی پاک می شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را بجا آورد، و نماز را بخواند. و اگر وقت نماز تنگ شد لازم نیست وضو و غسل را دوباره بجا آورد، بلکه با وضو و غسلی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسئله ۴۱۲: مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش مشغول غسل شده دیگر خون نیامد، لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسئله ۱۱۳: مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفت اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز می تواند کارهای مستحب. مثل قنوت و غیر آنرا بجا آورد.

مسئله ۱۱۴: زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فرج نیاید غسل لازم نیست.

مسئله ۱۱۵: اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر همیشه جریان نداشته باشد. فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند و وضو هم بگیرد و اگر نماز هم خوانده باید دوباره بخواند.

مسئله ۱۱۶: اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است، ولی اگر در بین غسل استحاضه متوسطه کثیره شود، واجب است چنانچه مشغول غسل ترتیبی بوده همانرا از سر بگیرد و اگر مشغول غسل ارتماسی بوده بهتر است که همان را دوباره انجام دهد.

مسئله ۱۱۷: احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

مسئله ۱۱۸: روزه زن مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد در صورتی صحیح است که غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد و نیز بنا بر احتیاط واجب غسل نماز مغرب و عشاء شبی را که می خواهد فردای آنرا روزه بگیرد، بجا آورد و نیز در روز غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است، انجام دهد. ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسلهایی را که برای نمازهای روزش واجب است، بجا آورد، روزه او صحیح است.

مسئله ۴۱۹: اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند روزه او صحیح است.

مسئله ۴۲۰: اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

مسئله ۴۲۱: اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آنرا انجام دهد و همان نماز را بخواند. و اگر برای هیچ کدام غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد باید عوض آن تیمم کند و دیگری را بجا آورد، ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد نمی تواند نماز را بشکند، و باید نماز را تمام کند. و بنا بر احتیاط واجب قضا نماید، و همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

مسئله ۴۲۲: اگر در بین نماز خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه. چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد.

مسئله ۴۲۳: اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد ولی اگر برای نماز غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید، و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند باید برای نماز مغرب غسل کند. و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشا وقت داشته باشد باید برای عشا غسل نماید.

مسئله ۴۲۴: اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد، ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود چنانچه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند با همان غسل می تواند نماز را بخواند و همینطور است حکم وضو.

مسئله ۴۲۵: اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد، و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را بجا آورد.

مسئله ۴۲۶: اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند نمازش باطل است.

مسئله ۴۲۷: مستحاضه قلیله اگر بخواند غیر از نماز کاری انجام دهد، که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواند جانی از بدن خود را به خط قرآن برساند باید وضو بگیرد و وضوئی که قبلاً برای نماز گرفته بنا بر احتیاط واجب کافی نیست.

مسئله ۴۲۸: رفتن در مسجد مکه و مدینه و توقف در سایر مساجد و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد برای زن مستحاضه اشکال ندارد ولی نزدیک شوهر با او در صورتی حلال می شود که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد.

مسئله ۴۲۹: اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواند پیش از وقت نماز جانی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.

مسئله ۴۳۰: نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیّه گفته شد انجام دهد.

مسئله ۴۳۲: اگر زن مستحاضه بخواند نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب هر دو را با یک غسل و وضو بجا نیاورد.

مساله ۴۳۳: اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد بنابر احتیاط واجب ، باید بدستور استحاضه عمل کند، بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر چنانچه نشانه آنها را نداشته بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد .

حیض

خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می شود و زن را در موقع دیدن خون حیض ، حائض می گویند .

مساله ۴۳۴: خون حیض در بیشتر اوقات ، غلیظ و گرم رنگ آن سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می آید .

مساله ۴۳۷: زن حامله و زنی که بچه شیر می دهد ، ممکن است حیض ببیند .

مساله ۴۴۰: مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمیشود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست .

مساله ۴۴۳: لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند ، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود ، پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید ، یا در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم هیچ خون قطع نشود ، حیض است .

مساله ۴۴۴: اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود ، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است .

مساله ۴۴۹: اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند خون دوم حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست .

احکام حائض

مسئله ۴۵۰: چند چیز بر حائض حرام است: اول عبادتهائی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادتهائی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد. دوم تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوم جماع کردن در فرج. که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند و در دبر زن حائض و طی کردن کراهت شدید دارد.

مسئله ۴۵۱: جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد حرام است پس زنی که بیشتر از ده روز خون می بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

مسئله ۴۶۴: اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسئله ۴۶۵: اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

مسئله ۴۶۶: بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادتهای دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است، ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است.

مسئله ۴۶۸: اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه ای که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید. و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسئله ۴۶۹: نمازهای یومیّه ای که زن در حال حیض نخوانده . قضا ندارد ، ولی روزه های واجب را باید قضا نماید.

مسئله ۴۷۶: مستحب است زن حائض در وقت نماز ، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمیتواند وضو بگیرد تیمّم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود .

مسئله ۴۷۷: خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جائی از بدن به حاشیه و مابین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است .

اقسام زنهای حائض

مسئله ۴۷۸: زنهای حائض بر شش قسمت : اوّل صاحب عادت وقتیه و عددیه ، و آن زنی است که دوماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد ، مثل آنکه دوماه پشت سر هم از اوّل ماه تا هفتم خون ببیند . دوم صاحب عادت وقتیه و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر ماه یک اندازه نباشد ، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اوّل ماه خون ببیند ولی ماه اوّل روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود. سوم صاحب عادت عددیه و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد ، ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد ، مثل آنکه ماه اوّل از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند، چهارم مضطربه و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش بهم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است . پنجم مبتدئه و آن زنی است که دفعه اوّل خون دیدن او است . ششم ناسیه و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است . و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می شود.

۱- صاحب عادت وقتیه و عددیه

مسئله ۴۷۹: زنهایی که عادت وقتیه و عددیه دارند سه دسته اند :

اول زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود. مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است. دوم زنی که از خون پاک نمی شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می بیند نشانه های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می آید. و بقیه خونهای او نشانه های استحاضه را دارد که عادت او از اول ماه تا هشتم می شود. سوم زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آنکه سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و رویهم از نه روز بیشتر نشود. همه حیض است و عادت این زن نه روز می شود.

۲- صاحب عادت وقتیه

مساله ۴۸۲: زنهایی که عادت وقتیه دارند سه دسته اند: اول زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد. دوم زنی که از خون پاک نمی شود، ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد یعنی غلیظ و سیاه و گرم است با فشار و سوزش بیرون می آید و بقیه خونهای او نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که نشانه حیض را دارد در هر دو ماه یک اندازه نیست مثلاً در ماه اول از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم خون او نشانه های حیض و بقیه، نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود

قرار دهد. سوم زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول در هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

۳- صاحب عادت عددیه

مسئله ۴۹۲: زنهایی که عادت عددیه دارند سه دسته اند: اول زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چندروزی که خون دیده عادت او میشود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می شود. دوم زنی که از خون پاک نمیشود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست. که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می شود، سوم زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول یا ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تما روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تما روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می شود.

۴- مُضْطَرِّبَه

مسئله ۴۹۴: مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهای که دیده یک جور باشد چنانچه عادت خویشان او هفت روز است باید هفت روز حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است با همان را حیض قرار دهد. و بنابر احتیاط واجب، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز که دو روز است کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید و کارهای استحاضه را بجا آورد، یعنی به دستوری که برای زن استحاضه گفته شد عبادت های خود را انجام دهد و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنابر احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان که دو روز است، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

۵- مُبْتَدِئَةٌ

مسئله ۴۹۶: مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهای که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را بطوری که در وقتیه گفته شد حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۶- نَاسِيَةٌ

مسئله ۴۹۹: ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است اگر بیشتر از ده روز خون ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز، حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر نتواند حیض را بواسطه نشانه های آن تشخیص دهد، بنابر احتیاط واجب باید هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

نَفَاسٌ

مسئله ۵۰۱: از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می آید هرخونی که زن می بیند، اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود خون نفاس است. و زن را در حال نفاس، نفساء می گویند.

مسئله ۵۱۱: ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی شود.

مسئله ۵۱۳: توقّف در مسجد و رساندن جائی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که برحائض حرام است، بر نفساء هم حرام است و آنچه برحائض واجب است و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می باشد.

مسئله ۵۱۸: زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن تا روز دهم می تواند عبادت را ترک نماید یا کارهای مستحاضه را انجام دهد، ولی ترک عبادت یک روز یا دو روز خیلی خوب است پس اگر از ده روز بگذرد به اندازه روزهای عادتش نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده باید قضا نماید.

احکام روزه

مسئله ۱۶۳۸: اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، با تیمّم روزه اش صحیح است و لازم نیست تا صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجبی بگیرد که مثل روزه کفّاره وقت آن معین نیست نمی تواند با تیمّم روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۳۹: اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمّم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است، ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را گرفته باشد صحیح بودن آن اشکال دارد.

مسئله ۱۶۴۰: اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

مسئله ۱۶۴۱: اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه هائی که گرفته صحیح است .

مسئله ۱۷۴۰: اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، جایز نیست روزه بگیرد ، بلکه اگر حق شوهر هم از بین نرود ولی شوهر او از گرفتن روزه مستحبی جلوگیری کند بنابر احتیاط واجب باید خودداری کند .

احکام نکاح یا ازدواج

مسئله ۲۳۷۶: دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد ، اگر بخواهد شوهر کند ، چنانچه با کره باشد ، بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد. و اجازه مادر و برادر لازم نیست .

مسئله ۲۴۱۲: زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می خواهد ، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند . و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند ، تهیه غذا و لباس و منزل او و لوازم دیگری که در کتب ذکر شده بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند چه توانائی داشته باشد یا نداشته باشد مدیون زن است .

مسئله ۲۴۱۳: اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و منزل و همخوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی رود .

مسئله ۲۴۵۸: اگر زنی که آزاد و مسلمان و عاقل است دختری داشته باشد تا هفت سال دختر تمام نشده پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند .